



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 15 Issue: 37

Winter 2025

Article Type: Research Article

Pages: 161-196

A Comparative Study of the Right of Termination Due to Material Non-Conformity of the Goods in the 1980 Vienna Convention, the Directive 2019 of the European Union and Iranian Law

Umm Al Baneen Ramadzadeh Badeli¹| Mohammad Hossein Taghipour Naghibi²
Ali Soleimani Andurvur³

1. Assistant Professor, Department of Private Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
oramzanzadeh@umz.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Private Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
(Corresponding Author)
mh.taghipour@umz.ac.ir
3. Ph.D Candidate in Private Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
ali.s.andarvar@gmail.com

Abstract

At the international and regional level, to provide maximum protection to the consumer and remove the main obstacles to cross-border trade, several conventions and regulations have been established to harmonize and approximate the national laws of countries that part of these provisions focuses on providing remedies for buyers, including the right of termination in case of material non-conformity goods. Essentially, by concluding the contract, the seller undertakes to deliver goods to the consumer that conform to the contract. However, the delivery of non-conforming goods prevents the buyer from benefiting from the contract, which is the main claim of the buyer from concluding the contract. Therefore, similar to many legal systems, the 1980 Vienna Convention and Directive 2019/771 of the European Union, the right of termination has been recognized as one of the remedies for the material non-conformity of goods. However, in Iranian laws, the lack of certain provisions regarding goods conformity and the provision of elegant distinctions regarding the delivery of non-conforming goods have made it difficult to examine the issue. Therefore, considering the importance of unifying laws in facilitating and developing cross-border trade, the current research aims to explain the similarities and differences of the material conformity of goods and the right of termination resulting from it in the Convention, Directive, and laws of Iran. The investigations revealed that the concept of material "conformity" of the goods with the contract is accepted in Iran's law in a limited manner, and the conditions for exercising the right of termination resulting from it in the Directive are relatively similar to the Convention and different from Iran's legal system.

Keywords: Non-Conformity, Delivery, Material, Goods, Right of Termination.

Received: 2023/05/12

Received in revised form: 2024/11/10

Accepted: 2024/12/02

Published: 2024/12/25

DOI: 10.22034/LAW.2025.56573.3272

Publisher: University of Tabriz

law@tabrizu.ac.ir



مطالعه تطبیقی حق فسخ ناشی از عدم انطباق مادی کالا در کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، دستورالعمل ۲۰۱۹ اتحادیه اروپا و حقوق ایران

ام‌البین رمضان‌زاده بادل^۱ | محمدحسین تقی‌پور درزی نقی^۲ | علی سلیمانی اندرور^۳

oramanzadeh@umz.ac.ir

mh.taghipour@umz.ac.ir

ali.s.andarvar@gmail.com

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

چکیده

در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای به‌منظور حمایت حداکثری از مصرف‌کننده و رفع موانع اصلی تجارت فرامرزی، کنوانسیون‌ها و مقرره‌های متعددی برای هماهنگی و نزدیک‌سازی قوانین ملی کشورها وضع شده است که بخشی از این مقررات به پیش‌بینی روش‌های جبران خسارت خریدار، از جمله حق فسخ در فرض عدم انطباق مادی کالا می‌پردازد. در واقع فروشنده با انعقاد قرارداد متعهد می‌گردد کالایی را به مشتری تسلیم نماید که منطبق با قرارداد باشد. حال آنکه تحویل کالای غیرمنطبق، خریدار را از منتفع شدن از آثار آن که هدف اصلی وی از انعقاد قرارداد بوده است، باز می‌دارد. لذا همانند بسیاری از نظام‌های حقوقی، در کنوانسیون ۱۹۸۰ وین و دستورالعمل ۲۰۱۹/۷۷۱ اتحادیه اروپا، حق فسخ به‌عنوان یکی از شیوه‌های جبران خسارت عدم انطباق مادی کالا شناسایی شده است. با وجود این، در حقوق ایران فقدان مقررات معین در خصوص انطباق کالا و ارائه تفکیک‌های ظریف در مورد تسلیم کالای غیرمنطبق، بررسی موضوع را با مشکل مواجه ساخته است. از این رو با توجه به اهمیت یکسان‌سازی قوانین در تسهیل و توسعه تجارت فرامرزی، هدف پژوهش حاضر آن است که شباهت‌ها و تفاوت‌های انطباق مادی کالا و حق فسخ ناشی از آن را در کنوانسیون، دستورالعمل و حقوق ایران تبیین نماید. بررسی‌های یادشده نشان داده که مفهوم «انطباق» مادی کالا با قرارداد به‌طور محدود در حقوق ایران پذیرفته شده است و شرایط اعمال حق فسخ ناشی از آن در دستورالعمل نسبتاً مشابه کنوانسیون و متفاوت با نظام حقوقی ایران است.

واژگان کلیدی: تسلیم، حق فسخ، عدم انطباق، کالا، مادی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

DOI: 10.22034/LAW.2025.56573.3272

law@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

موضوع انطباق مادی کالا با قرارداد همواره نقش محوری را در معاملات بیع داخلی و بین‌المللی ایفا نموده است.^۱ در یک معامله اصولاً طرفین یک رابطه قراردادی تعهداتی را در مقابل یکدیگر برعهده می‌گیرند. این تعهدات متقابل از چنان پیوستگی برخوردار است که عدم ایفای هر یک از آنها می‌تواند متضمن ضمانت اجراهایی برای حمایت از طرف دیگر قرارداد باشد. مطابق تعهدات قراردادی، فروشنده متعهد است مبیعی را تسلیم مشتری نماید که منطبق با قرارداد (مثلاً از حیث کمیت، کیفیت، متناسب بودن با هدف و سایر ویژگی‌ها) باشد. لیکن در صورتی که فروشنده از اجرای تعهد خود سر باز زند، این امر موجب ضرر طرف دیگر قرارداد خواهد شد. از این رو در برخی نظام‌های حقوقی دنیا برای حفظ حقوق مشتری روش‌های مختلفی (از جمله حق تعمیر و تعویض، کاهش ثمن معامله و...) پیش روی او قرار داده می‌شود تا بتواند خسارت ناشی از نقض قرارداد را جبران نماید. حق فسخ قرارداد که ناشی از کوتاهی فروشنده در انجام تعهدات خود است^۲، یکی از ضمانت اجراهای سنگینی است که زیان‌دیده از عدم انطباق مادی کالا می‌تواند به‌عنوان راه‌حل جبران خسارت در اختیار گیرد. ضمانت اجرای یادشده، نه تنها در حقوق ایران، بلکه در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین و دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۰۱۹/۷۷۱^۳ به رسمیت شناخته شده است.^۴ با این همه، در حقوق ایران مقررات

1. V. De Luca, "The conformity of the goods to the Contract in International Sales", *Pace Int'l L. Rev.*, No 1 (2015), p. 165.

2. G. G. Howells, *Reflections on Remedies for Lack of Conformity in Light of the Proposals of the EU Commission on Supply of Digital Content and Online and Other Distance Sales of Goods: In European Contract Law and the Digital Single Market: The Implications of the Digital Revolution* (Edited By: De Franceschi, A), (Cambridge: Cambridge University Press, Intersentia, 2016). p. 154.

3. Directive (EU) 2019/771; (2019) OJ L 136/28. (SGD).

۴. این نکته نیز شایان ذکر است که به موجب ماده ۱ و بند ۱ ماده ۳ دستورالعمل ۲۰۱۹ اتحادیه اروپا، این دستورالعمل صرفاً در جهت حمایت از مصرف‌کننده وضع گردیده است و تنها در قراردادهای بین فروشنده و مصرف‌کننده قابل اعمال است و مراد از مصرف‌کننده شخص حقیقی است که برای مقاصد خارج از تجارت و حرفه اقدام می‌نماید. درحالی که مطابق بند «الف» ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۸۰ وین اصولاً بیع کالاهایی که جهت مصرف شخصی، خانوادگی یا استفاده در منازل خریداری می‌شوند از شمول کنوانسیون خارج هستند؛ چراکه در بسیاری از کشورها این دسته از قراردادهای تابع مقررات امره حمایت از مصرف‌کننده قرار می‌گیرند که مقدم بر مقررات تکمیلی کنوانسیون است. البته این امر مانع از مطالعه تطبیقی حق فسخ ناشی از عدم انطباق مادی کالا در کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، دستورالعمل ۲۰۱۹ اتحادیه اروپا و حقوق ایران به جهت بررسی مفهوم عدم انطباق، ضمانت اجراها و شرایط اعمال حق فسخ ناشی از عدم انطباق مادی کالا با قرارداد جدای از خصوصیات طرفین قرارداد، نخواهد بود.

معینی در خصوص انطباق کالا با قرارداد وجود ندارد و ارائه تفکیک‌های ظریف در مورد تسلیم کالای غیرمنطبق و ارائه مفهوم گسترده از تعهد «تسلیم»، پیش‌بینی قواعد آن را در حقوق ایران با مشکل مواجه نموده است. بنابراین، پژوهش حاضر در صدد تبیین این موضوع است که مفهوم انطباق مادی کالا با قرارداد را مشخص نماید و در صورت عدم انطباق مادی کالا، به این پرسش پاسخ دهد که اولاً آیا خریدار در اعمال هر یک از ضمانت اجراها از جمله حق فسخ مخیر است؟ ثانیاً مشتری تحت چه شرایطی می‌تواند حق فسخ را اعمال نماید؟ و چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان این قوانین و نظام حقوقی ایران از این حیث وجود دارد؟ از این رو در پژوهش حاضر برای بررسی پرسش‌های پیش‌گفته، ابتدا مفهوم، معیارها و مصادیق انطباق و پس از آن، بررسی ضمانت اجراهای نقض تعهد انطباق و اختیار در اعمال آنها، و در نهایت شرایط اعمال حق فسخ ناشی از عدم انطباق مادی کالا با قرارداد در کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۰۱۹/۷۷۱ و حقوق ایران مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم، معیار و مصادیق انطباق کالا با قرارداد

در این قسمت، ابتدا مفهوم انطباق و سپس معیارها و مصادیق انطباق کالا با قرارداد مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۱.۱. مفهوم انطباق کالا با قرارداد

مفهوم انطباق کالا با قرارداد و تعیین دایره مصادیق نقض تعهد تسلیم و نقض تعهد عدم انطباق از موضوعات مورد بحث در قوانین بین‌المللی و داخلی کشورها است. از این رو در این قسمت به مطالعه این موضوع در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، دستورالعمل ۲۰۱۹/۷۷۱ اتحادیه اروپا و حقوق ایران پرداخته می‌شود.

۱.۱.۱. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

کنوانسیون در بخش اول از تعهدات بایع در مواد ۳۱ تا ۳۴ به موضوع «تسلیم کالا و تحویل مدارک» می‌پردازد. موضوع منتخب بخش دوم از تعهدات بایع نیز تحت عنوان «مطابقت کالا و ادعاهای شخص ثالث» است که مواد ۳۵ تا ۳۷ به انطباق مادی کالا با قرارداد اختصاص دارد که به‌وضوح از موضوع تسلیم کالا متمایز شده است.

در کنوانسیون در خصوص مفهوم انطباق و یا تسلیم کالا نصّ صریحی وجود ندارد؛ از این رو به اعتقاد برخی از حقوق دانان هرگونه تفاوت بین آنچه طرفین در قرارداد بر آن توافق نموده‌اند و آنچه فروشنده به خریدار تسلیم نموده است در مفهوم عدم انطباق قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، مطابق مواد ۳۱ تا ۳۴ کنوانسیون، فروشنده تعهدات خود در خصوص تسلیم کالا را زمانی ایفا می‌نماید که کالایی را که با اوصاف کلی قرارداد مطابقت داشته است تحویل خریدار نماید؛ اگرچه کالای مربوط از حیث کمیت یا کیفیت مطابق قرارداد نباشد. بنابراین، تنها پس از تسلیم کالا است که خریدار موظف به بررسی انطباق کالا با قرارداد است.^۵ بنابراین کنوانسیون با تمایز مقررات تسلیم و انطباق کالا، یک مفهوم واحد از اجرای ناقص را پذیرفته است که به موجب آن صرف تسلیم کالا به خریدار و عدم مطابقت آن با قرارداد، در مفهوم عدم انطباق قرار می‌گیرد.

۲.۱.۱. دستورالعمل ۲۰۱۹/۷۷۱ اتحادیه اروپا

در خصوص چارچوب مفهوم انطباق تفاوت‌هایی در قوانین داخلی کشورهای عضو اتحادیه وجود دارد. برای مثال، مطابق قوانین بلژیک، هرگونه کوتاهی در ارائه کالای قراردادی همانند عدم ارائه لوازم جانبی، در مفهوم عدم انطباق کالا قرار می‌گیرد. لیکن تأخیر در تسلیم و یا تسلیم در مکان و زمان نامناسب به عنوان عدم انطباق کالا تلقی نمی‌گردد.^۶ از آنجا که انطباق به عنوان یکی از مفاهیم اصلی حقوق قراردادهای مدرن تلقی می‌شود،^۷ اتحادیه اروپا به منظور یکپارچه‌سازی قوانین، مقرراتی را در مورد عناصر اساسی قراردادهای بیع مصرفی به‌ویژه قوانین مربوط به انطباق کالا با قرارداد، راه‌های جبران خسارت در صورت عدم انطباق و روش‌های اعمال آن ارائه نموده است (ماده ۱ د.). دستورالعمل هرچند تعریفی از انطباق کالا به دست نمی‌دهد، لیکن از یک سو در ماده ۱ که در مقام بیان قلمرو دستورالعمل می‌باشد، مقررات مربوط به عدم تسلیم و یا تأخیر در تسلیم را از قلمرو دستورالعمل خارج کرده است و از سوی دیگر در

5. V. De Luca, *op.cit.*, p. 173.

6. G. Straetmans; S. Meys, "Digital Content and Distance Sales New Developments at EU Level: The New Proposals for Directives Concerning Digital Content and Online/Distance Sales: What Impact on Consumer Protection?", In *Digital Content & Distance Sales/Claeys*, (Cambridge: Intersentia, 2017), p. 320.

7. R. Schulze, *Supply of Digital Content—a New Challenge for European Contract Law: European Contract Law and the Digital Single Market. The Implications of the Digital Revolution*: (Edited by: De Franceschi, A), (Cambridge University Press: Intersentia, 2016), p. 133.

مواد ۵، ۶ و ۷ مقرراتی را در خصوص معیارها و مصادیق انطباق کالا بیان می‌دارد که به موجب آن مشخص می‌شود که هرگونه تفاوت آنچه که طرفین در قرارداد مقرر نموده‌اند با آنچه که فروشنده به خریدار تسلیم نموده است، در مفهوم عدم انطباق قرار می‌گیرد؛ لذا دستورالعمل یادشده در پی ارائه مفهوم واحد از انطباق است.

۳.۱.۱. حقوق ایران

در حقوق ایران مقررات مشخصی تحت عنوان «انطباق» که مفهوم انطباق کالا با قرارداد را تبیین نماید وجود ندارد؛ هرچند با استقرا در مواد قانون مدنی از جمله مواد ۲۳۴، ۳۴۲، ۳۸۸، ۴۱۰ و قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ می‌توان به معیار و مصادیق آن در حقوق ایران نیز دست یافت. با وجود این، آیا در حقوق ایران نیز میان تعهد تسلیم و تعهد انطباق می‌توان تمایز قائل شد و صرف تحویل کالا را موجب خروج موضوع از مصادیق تعهد تسلیم دانست؟ پاسخ به این سؤال زمانی دشوار است که در حقوق ایران «تسلیم کالا» در مفهوم عام آن استعمال می‌شود (ماده ۳۶۷ ق.م.) که به موجب آن، تسلیم زمانی محقق می‌گردد که مبیع به نحوی در اختیار مشتری قرار گیرد که عرف او را مسلط بر مال بدانند^۸ علاوه بر این، در حقوق ایران تفکیک میان مبیع کلی و معین در موضوع مطروحه مشکل بوده، تمایز مفهوم انطباق و تسلیم را مضاعف نموده است. از این رو در این قسمت به جهت تبیین بهتر موضوع، هریک از دو نوع مبیع به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۳.۱.۱. مبیع کلی

در صورتی که موضوع معامله مبیع کلی است، فروشنده در مقام وفای به عهد باید مصداقی را تسلیم نماید که مطابق با قرارداد باشد، در غیر این صورت به تعهد خود عمل نکرده است.^۹ از این رو، برخی بیان می‌دارند در مبیع کلی لزوم مطابقت کالا از توابع تعهد به تسلیم است؛ بنابراین در

۸. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی؛ معاملات معوض - عقود تملیکی، ج ۱، (تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۱۶، ۱۳۹۹)، ص ۷۴؛ سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۱، (تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۲۴، ۱۳۸۳)، ص ۵۱۸.
 ۹. مهدی شهیدی، تعهدات (حقوق مدنی ۳)، (تهران: انتشارات مجد، چ ۱۷، ۱۳۹۱)، ص ۱۷۴؛ علی عباس حیاتی، قواعد عمومی قراردادهای، (تهران: نشر میزان، چ ۱، ۱۳۹۲)، ص ۲۸۲؛ سید علی حائری، شرح قانون مدنی، ج ۱ و ۲، (تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۵، ۱۳۹۹)، ص ۳۹۸.

صورت تسلیم مال کلی معیوب و یا غیرمنطبق اصلاً تسلیمی صورت پذیرفته است.^{۱۰} قسمت دوم ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نیز اشعار داشته است: «اگر موضوع معامله کلی باشد در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین شده، مشتری حق دارد صرفاً عوض سالم را مطالبه نماید و فروشنده باید آن را تأمین کند». بنابراین در موردی که مبیع کلی بوده، مطابق با قرارداد نباشد، مشتری می‌تواند الزام فروشنده به تسلیم کالای منطبق با قرارداد را بخواهد (ماده ۴۸۲ ق.م.ا). در نتیجه در بیع کلی که قرارداد مقید به مبیع معین نیست، اگر فروشنده در مقام وفای به عهد مصداقی را تحویل مصرف‌کننده بدهد که مطابق قرارداد نباشد، نقض تعهد تسلیم نموده است؛ چراکه هیچ‌گونه آثار حقوقی به نفع بایع با تسلیم چنین مبیعی جریان نمی‌یابد.

۲.۳.۱.۱. مبیع عین معین

در فرضی که مبیع عین معین موضوع معامله است، فروشنده باید مبیعی را که متعلق قصد مشترک قرار گرفته است تسلیم مصرف‌کننده نماید و هیچ چیز نمی‌تواند جانشین آن شود، حتی اگر مرغوب‌تر و گران‌بها تر باشد؛ چراکه موضوع تراضی تنها کالای خاص و قابل اشاره است.^{۱۱} از این رو، برخی بیان می‌دارند که در مبیع عین معین لزوم مطابقت کالا با قرارداد تعهدی مستقل است. بنابراین، هرگاه کالای معیوب به خریدار تسلیم شود می‌توان گفت تسلیم صورت گرفته است و آثار آن را دارد؛ مثلاً حق حبس بایع ساقط می‌گردد و نیز ضمانت اجرای عدم تسلیم مبیع وجود ندارد.^{۱۲} ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نیز اشعار می‌دارد که اگر موضوع معامله عین معین باشد در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین‌شده، مشتری می‌تواند معامله را فسخ و یا ارش آن را مطالبه کند و فروشنده موظف به پرداخت آن است. البته عدم انطباق مبیع صرفاً ناظر بر معیوب بودن مبیع نیست، بلکه در صورتی که مبیع فاقد وصف معهود باشد نیز عدم مطابقت مبیع با قرارداد محقق می‌گردد و مصرف‌کننده دارای حق فسخ است (ماده ۴۱۰ ق.م.ا). بنابراین در مبیع عین معین تسلیم کالای غیرمنطبق نقض تعهد انطباق

۱۰. سید حسین صفایی، حقوق بیع بین‌المللی، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۶، ۱۳۹۵)، ص ۸۶.

۱۱. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۵، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۱۰، ۱۳۹۵)، ص ۱۶۷.

۱۲. سید حسین صفایی، پیشین، ص ۸۶ و ۱۷۶.

است که جدای از نقض تعهد تسلیم بوده، ضمانت اجرای آن را به همراه خواهد داشت.

۲.۱. معیارها و مصادیق انطباق کالا با قرارداد

در این قسمت معیارها و مصادیق انطباق کالا با قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، دستورالعمل اتحادیه اروپا و حقوق ایران مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۱.۲.۱. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

در کنوانسیون به موجب ماده ۳۵، دو معیار شخصی و نوعی در راستای انطباق کالا با قرارداد ارائه شده است.

تعهدات شخصی انطباق شامل موضوعاتی است که متعاملین به صورت صریح یا ضمنی در قرارداد بر آن توافق نموده‌اند. در واقع، بند ۱ ماده ۳۵ کنوانسیون چهار مصداق شخصی را ارائه می‌نماید که عبارت‌اند از: الف) کمیت: فروشنده باید کالایی را تسلیم خریدار کند که منطبق با مقدار مقرر در قرارداد است؛ بنابراین هرگونه تخطی از آن، صرف نظر از اهمیت آن به معنای نقض تعهد انطباق است.^{۱۳} ب) کیفیت: فروشنده متعهد به تسلیم کالا با کیفیت مندرج در قرارداد است. البته کیفیت به معنای گسترده آن مورد نظر است؛ یعنی شامل وضعیت فیزیکی و کلیه شرایط واقعی و قانونی مربوط به رابطه کالا با محیط اطراف می‌شود. بنابراین هرگونه تغییر در کیفیت کالا، صرف نظر از آثار آن بر قابلیت استفاده یا ارزش کالا، باید به عنوان عدم انطباق کالا تلقی گردد.^{۱۴} بنابراین، صرف وضعیت فیزیکی کالا مورد نظر نیست؛ برای مثال، جنس یا مبدأ کالا ممکن است بخشی از کیفیت مقرر در قرارداد باشد.^{۱۵} ج) توصیف: توصیف مقرر در قرارداد به مفهوم روش متداولی است که از طریق آن طرفین مفاد تعهداتشان را تعیین می‌نمایند که این امر طیف وسیعی از رویدادها را شامل می‌شود، به نحوی که مطابق دیدگاه اغلب حقوق دانان شامل

13. V., De Luca, *op.cit.*, p. 187.

14. H. M. Flechtner, "Conformity of Goods, Third Party Claims, and Buyer's Notice of Breach under the United Nations Sales Convention ("CISG"), with Comments on "the" Mussels Case, "the" Stolen Automobile Case, "and the" Ugandan Used Shoes Case", *University of Pittsburgh School of Law* (2007), p. 2.

15. K. Maley, "The Limits to the Conformity of Goods in the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG)", *Int'l Trade & Bus. L. Rev.*, No. 12 (2009), p. 104.

تسلیم کالا از نوع دیگر نیز می‌گردد^{۱۶}؛ (د) بسته‌بندی: عدم مطابقت کالا با هریک از این مصادیق بیان شده به معنای نقض تعهد انطباق است. البته الزامات شخصی انطباق شامل تعهداتی است که به‌طور ضمنی متعاملین بر آن توافق کرده‌اند. الزامات ضمنی انطباق ممکن است از عرف و یا رویه تجاری بین طرفین ناشی گردد^{۱۷}. این امر در رأی صادره از دادگاه اتریشی در سال ۲۰۰۳ در خصوص تسلیم ماهی منجمد تأکید گردید که به‌موجب آن صرف نظر از شرایط قرارداد، عرف تجاری بین‌المللی موجود در این مورد باید به‌عنوان حداقل کیفیت رعایت گردد^{۱۸}.

تعهدات نوعی انطباق قواعد پیش‌فرضی هستند که شکاف‌های احتمالی بازمانده از یک توافق ناقص را برطرف می‌نمایند^{۱۹}. این مقررات مطابق بند ۲ ماده ۳۵ کنوانسیون به‌عنوان قواعد تکمیلی است و تا زمانی که متعاملین به نحو دیگری توافق نکرده‌اند اعمال می‌گردد. بند یادشده چهار معیار عینی را ارائه می‌نماید که در هنگام ارزیابی انطباق کالا باید مورد توجه قرار گیرد که عبارت است از: الف) متناسب بودن کالا با استفاده عرفی موردنظر از آن؛ ب) متناسب بودن کالا با استفاده خاص موردنظر؛ ج) مطابقت مبیع با یک مدل یا نمونه؛ د) بسته‌بندی مناسب. این معیار باید به این نحو تفسیر شود که اگر طرفین معامله به‌طور معقول به آن می‌اندیشیدند، بر آن توافق می‌نمودند^{۲۰}.

در اغلب قوانین ملی، تمایزات خاص و ظریفی در ارزیابی مطابقت کالا با قرارداد اعمال می‌شود^{۲۱}. برای مثال، نظام حقوقی کامن‌لا بین شرایط و ضمانت‌ها قائل بر تفاوت می‌شود و یا اغلب نظام‌های حقوقی رومی-ژرمنی میان عیوب پنهان و ظاهری، عدم کیفیت و ارائه نوع دیگری از کالا تمایز قائل می‌شوند و این درحالی است که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به‌موجب ماده ۳۵ از این تمایزات خودداری نموده، همه این مصادیق را در بستر مفهوم تسلیم کالای غیرمنطبق قرار می‌دهد؛ به این صورت که هر ادعای ناشی از تسلیم کالای معیوب باید

16. V. De Luca, *op.cit.*, p. 191.

17. Y. Atamer; E., Bergsten; M. J., Bonell; H., Flechtner; L., Gama; A., Garro & M., Bridge, "CISG Advisory Council Opinion No. 19: Standards and Conformity of the Goods under Article 35 CISG", *Nordic Journal of Commercial Law*, No. 2 (2019), p. 38.

18. Clout Case No. 2 Ob 48/02a, Austria, 27 February 2003, Available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/030227a3.html>.

19. H. M. Flechtner, *op.cit.*, p. 4.

20. V. De Luca, *op.cit.*, p. 195.

21. V. De Luca, *op.cit.*, p. 165.

براساس ماده ۳۵ صورت پذیرد و در مفهوم عدم انطباق قرار گیرد^{۲۲}.

۲.۲.۱. دستورالعمل ۲۰۱۹/۷۷۱ اتحادیه اروپا

این دستورالعمل به منظور انطباق مادی کالا با قرارداد در ماده ۵ اشعار می‌دارد: «فروشنده متعهد است کالایی را به مصرف‌کننده تسلیم نماید که منطبق با شرایط مندرج در مواد ۶ و ۷ و ۸ باشد». به موجب مواد ۶ و ۷ دستورالعمل، کالای مصرفی زمانی منطبق با قرارداد است که مطابق با معیارهای شخصی و نوعی انطباق باشد. تفکیک صریح معیارهای شخصی و نوعی انطباق کالا با قرارداد، برخلاف کنوانسیون از نوآوری‌های دستورالعمل است.

تفکیک معیار شخصی از نوعی به این واقعیت اشاره دارد که برخی از عناصر به‌طور مستقیم از روابط بین مصرف‌کننده و فروشنده ناشی می‌شود و بخشی دیگر صرفاً به‌طور غیرمستقیم بخشی از قرارداد است^{۲۳}. البته بیان تعهدات شخصی (ماده ۶ د.) قبل از الزامات نوعی (ماده ۷ د.) اهمیت اساسی ندارد؛ بلکه به این معناست که الزامات نوعی انطباق، همواره شرایطی را تعیین می‌نماید که کالا باید در همه موارد دارا باشد و تعهدات شخصی انطباق مکمل آن است^{۲۴}. این امر بر اصل حاکمیت اراده (بند ۵ ماده ۷ د.) به‌عنوان نخستین منبع قرارداد متکی است.

دستورالعمل، سه معیار شخصی را به موجب ماده ۶ پیش‌بینی می‌نماید که عبارت است از: الف) متناسب بودن کالا از حیث توصیف، نوع، کمیت، کیفیت، عملکرد، سازگاری، قابلیت همکاری و سایر ویژگی‌های مقرر در قرارداد^{۲۵}؛ ب) متناسب بودن کالا با هر هدف خاص مصرف‌کننده که تا زمان انعقاد قرارداد مورد توافق طرفین قرار گرفته است؛ ج) تسلیم کالا با کلیه لوازم جانبی و دستورالعمل‌های مقرر در قرارداد. دستورالعمل با استفاده از واژه «سایر ویژگی‌ها» به‌طور بالقوه می‌تواند معنای وسیعی برای پوشش هر جنبه دیگری از کالا که از طریق عوامل

22. K. Maley, *op.cit.*, p. 95.

23. J. M. Carvalho, "Sale of Goods and Supply of Digital Content and Digital Services—Overview of Directives 2019/770 and 2019/771", *Journal of European Consumer and Market Law*, No. 5 (2019), p. 11-12.

24. C. Twigg-Flesner, "Conformity of Goods and Digital Content/Digital Services", *El Derecho Privado en el Nuevo Paradigma Digital*, Barcelona-Madrid, Marcial Pons, (2020), p. 7.

۲۵. البته برخی از این مصادیق از جمله عملکرد (به معنی توانایی کالاها در انجام وظایف خود با توجه به هدف آنها) (بند ۹ م. ۲ د.)، سازگاری (به معنای توانایی کالاها برای کار با سخت‌افزار یا نرم‌افزار از همان نوع (بند ۸ م. ۲ د.)، قابلیت همکاری (به معنی توانایی کالاها برای کار با سخت‌افزار یا نرم‌افزاری با نوعی متفاوت از آن) (بند ۱۰ م. ۲ د.) صرفاً در خصوص کالاهایی با عناصر دیجیتالی است.

ذکر شده در ماده ۶ پوشش داده نشده است، ارائه دهد.

معیار نوعی، انطباق قواعد تکمیلی است که تنها در صورت فقدان توافق صریح یا ضمنی طرفین بر مشخصات انطباق کالا در قرارداد به مرحله اجرا درمی آید.^{۲۶} لذا انتظار آن است که کالای موضوع معامله حداقل با این معیار اولیه مطابقت داشته باشد.^{۲۷} دستورالعمل، چهار معیار نوعی را که در هنگام تعیین انطباق کالا باید مورد توجه قرار گیرد به موجب ماده ۷ تحت عنوان «الزامات شخصی انطباق» پیش‌بینی می‌نماید که عبارت است از: الف) متناسب بودن کالا با اهداف متعارف از کالاهایی از همان نوع؛ ب) مطابقت کالا با نمونه یا مدل ارائه‌شده؛ ج) دارا بودن لوازم جانبی از جمله بسته‌بندی و دستورالعمل‌های مورد انتظار؛ د) مطابقت کالا از حیث کمیت، کیفیت، دوام، عملکرد، سازگاری، امنیت طبیعی و سایر ویژگی‌ها برای کالاهایی از همان نوع. فقدان هریک از این شرایط در صورتی که خلاف آن تراضی نگردد، به معنای عدم انطباق کالا با قرارداد خواهد بود و فروشنده را مسئول عدم انطباق کالا قرار می‌دهد.

بنابراین، دستورالعمل با تفکیک صریح معیار شخصی و نوعی انطباق و پیش‌بینی مصادیق متعدد در ذیل هریک با توجه به نوع کالا، اعم از دیجیتالی و غیر دیجیتالی، در پی ارائه مفهوم واحد از انطباق کالا است.

۳.۲.۱. در حقوق ایران

در قانون مدنی ایران نص صریحی در خصوص معیارهای انطباق و تقسیم آن به شخصی و نوعی پیش‌بینی نشده است. با وجود این به منظور انطباق آن با ادبیات حقوقی ایران به نظر می‌توان الزامات نوعی را قواعد تکمیلی قانونی و شروط ضمنی عرفی، و الزامات شخصی را توافق طرفین برخلاف قواعد تکمیلی و عرف دانست که در مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی مقرر شده است. از سوی دیگر ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نیز مقرر می‌دارد: «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در

26. G. Straetmans; S., Meys, *op.cit*, p. 321.

27. T. E. Synodinou, P. Jougleux, C. Markou, & T. Prastitou, *EU Internet Law in the Digital Era: Regulation and Enforcement*, (Switzerland: Springer Nature, 2019), p. 312.

معاملات هستند...». لذا در مادهٔ پیش‌گفته به موضوع انطباق کالا با ضوابط و شرایط قراردادی (معیار شخصی) و قانونی (معیار نوعی) صریحاً اشاره شده است.

به موجب بند ۳ مادهٔ ۱۹۰ و ۲۱۶ ق.م، مورد معامله در زمان انشای معامله باید نزد طرفین آن معلوم باشد؛ به این معنا که جنس، مقدار و وصف (اساسی) آن باید مشخص شود^{۲۸} تا غرر مرتفع گردد، والا مجهول ماندن هریک از موارد فوق موجب بطلان معامله می‌شود. البته وصف در اصطلاح مدنی بیان خصوصیات مورد معامله است که می‌توان آن را به دو قسم داخلی (وصف به معنای کیفیت) و خارجی (وصف به معنای کمی و مقدار) تقسیم نمود^{۲۹}. قانون حمایت از مصرف‌کنندگان نیز عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و تولیدکنندگان را موظف نموده است که اطلاعات لازم شامل نوع، کیفیت، کمیت، آگاهی‌های مقدم بر مصرف و ... را در اختیار مصرف‌کننده قرار دهند (بند ۲ مادهٔ ۳). البته بسته‌بندی کالا نقش مهمی در تسلیم صحیح و سالم کالا بازی می‌کند^{۳۰}. از این رو در خصوص لوازم جانبی از جمله بسته‌بندی در صورتی که قرارداد و یا عرف دلالت بر شمول آن در قرارداد نماید، می‌توان آن را از تعهدات فروشنده محسوب نمود. با وجود این، با توجه به ارائهٔ مفهوم عام از تسلیم در مادهٔ ۳۶۷ قانون مدنی باید عدم اجرای تعهد در این موارد را از مصادیق نقض تعهد تسلیم در حقوق ایران محسوب نمود.

۲. ضمانت اجرای نقض تعهد انطباق و تخییر در اعمال آنها

ضمانت اجرای نقض قرارداد یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق قراردادهای است^{۳۱}. در نظام‌های حقوقی دنیا در فرض عدم انطباق مادی کالا با قرارداد، ضمانت اجرای مختلفی در اختیار خریدار قرار دارد. با این همه، آیا می‌توان مشتری را در استفاده از این روش‌ها مخیر دانست یا خیر؟ در این مبحث، به بررسی موضوع یادشده در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، دستورالعمل اتحادیهٔ اروپا و حقوق ایران پرداخته می‌شود.

۲۸. مهدی شهیدی، شروط ضمن عقد، ج ۴، (تهران: انتشارات مجد، ج ۶، ۱۳۹۷)، ص ۲۹۵.

۲۹. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، (تهران: انتشارات گنج دانش، ج ۳، ۱۳۹۰)، ص ۷۴۷.

۳۰. ابراهیم شعاریان و فرشاد رحیمی، «انطباق مادی کالا با قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ و حقوق ایران»، حقوقی بین‌المللی، ش ۵۱ (۱۳۹۳)، ص ۴۸.

۳۱. ابراهیم شعاریان و سارا صاحب‌جمع، «سلسله مراتب و تغییر ضمانت اجرای نقض قرارداد؛ رویکرد اسناد بین‌المللی و حقوق ایران»، مطالعات حقوقی معاصر، ش ۲۴ (۱۴۰۰)، ص ۳۴.

۱.۲. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

کنوانسیون در صورت تسلیم کالای غیرمنطبق، به موجب ماده ۴۵ روش‌های مختلفی را در راستای جبران خسارت در اختیار خریدار قرار داده است که عبارت‌اند از: درخواست کالای جانشین، درخواست اصلاح یا تعمیر کالا، فسخ قرارداد یا تقلیل ثمن و درخواست جبران خسارت. در حقوق ایران، قانون مدنی و سایر قوانین، مقرره‌ای در خصوص قابلیت جمع ضمانت اجراها وجود ندارد؛ اما با استقرا در قوانین می‌توان به برخی نتایج دست یافت.^{۳۲} از جمله به تصریح بند ۲ ماده ۴۵ ک. به موجب حق درخواست خسارت، مستقل از سایر ضمانت اجراها و با آنها قابل جمع است. به موجب بند ۱ ماده ۶۱ ک. اصولاً مشتری تحت شرایطی در انتخاب ضمانت اجراها مخیر است؛ مثلاً بدون آنکه الزام به اجرای عین قرارداد و یا حق تعمیر و اصلاح را از فروشنده بخواهد، می‌تواند قرارداد را فسخ کند. مطابق ماده ۴۹ ک. در فرضی که بایع مبیعی را تسلیم نماید که از حیث مادی منطبق با قرارداد نباشد، خریدار تحت شرایطی حق فسخ قرارداد را دارد. لیکن فروشنده نیز مطابق ماده ۴۸ ک. حق دارد برای جبران نقض تعهد خود اجرای عین قرارداد را به مشتری تحمیل نماید. از این رو، در این قسمت به تأثیر حق ترمیم خریدار بر اعمال حق فسخ فروشنده در دو فرض قبل از موعد انجام تعهد و پس از آن پرداخته می‌شود.

۱.۱.۲. تسلیم مبیع غیرمنطبق قبل از موعد قرارداد

در صورتی که فروشنده پیش از شروع زمان اجرای تعهد در راستای وفای به عهد اقدام به تسلیم کالای غیرمنطبق نماید تا موعد اجرای قرارداد فرصت خواهد داشت نقض قرارداد را جبران کند؛ به این معنا که کالای جانشین را تسلیم کرده یا اقدام به رفع عیب و تعمیر نماید. مشتری در این فرض در صورتی حق فسخ دارد که اولاً عدم مطابقت اساسی بوده، ثانیاً با توجه به ماهیت کالا عیب آن غیرقابل ترمیم باشد.^{۳۳} بنابراین در صورتی که فروشنده قبل از تاریخ تحویل، عدم انطباق را به نحو مؤثری رفع نماید، خریدار حق فسخ نخواهد داشت؛ چراکه نمی‌توان بیان داشت مشتری متحمل ضرری شده است که به‌طور قابل توجهی از آنچه طبق

۳۲. ابراهیم شعاریان و فرشاد رحیمی، حقوق بیع بین‌المللی: شرح کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در پرتو دکترین و رویه قضایی مطالعه

تطبیقی با اسناد بین‌المللی و حقوق ایران، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چ ۳، ۱۴۰۰)، ص ۳۷.

۳۳. سید حسین صفایی، پیشین، ص ۱۶۴ و ۱۸۴.

قرارداد او انتظار آن را داشته، محروم نموده است.^{۳۴} در واقع، هرچند در کنوانسیون در خصوص تأثیر حق فروشنده در رفع عدم انطباق بر حق فسخ خریدار صریحاً نصی نیامده است، لیکن به استناد ماده ۳۷ ک. این نتیجه قابل حصول است که در صورت عدم انطباق مبیع در تسلیم پیش از موعد، کنوانسیون استثنائاً تنها در دو فرض: (۱) زحمت غیرمعقول برای مشتری ایجاد نماید. (۲) موجب هزینه‌های غیرمعقول بر مشتری گردد، قائل بر حق فسخ برای مشتری گردیده است. لذا در حالت یادشده هنگامی که مشتری عدم انطباق کالا با قرارداد را اعلام نماید، اصولاً حق فسخی برای خریدار پدیدار نمی‌شود که در تقابل با حق فروشنده در رفع عدم مطابقت کالا قرار گیرد.

۲.۱.۲. تسلیم مبیع غیرمنطبق در موعد قرارداد

خریدار در صورتی که فروشنده در سررسید مبادرت به تسلیم کالایی نماید که منطبق با قرارداد نباشد و نقض اساسی قرارداد صورت پذیرد، حق فسخ قرارداد را دارد (بند ۱ ماده ۴۹ ک.). از طرف دیگر، بایع نیز مطابق ماده ۴۸ ک. حق دارد برای جبران نقض تعهدی که انجام داده است، اجرای عین قرارداد را به مشتری تحمیل نماید. در ماده ۴۸ ک. وجود حق رفع عدم مطابقت فروشنده منوط به «رعایت ماده ۴۹ ک.» شده است. شیوه تنظیم ماده سبب این اختلاف شده که در این حالت حق کدام‌یک بر دیگری مقدم است. آیا خریدار می‌تواند با اعمال حق فسخ موضوع ماده ۴۸ را منتفی سازد؟ در این خصوص برخی معتقدند در هر صورت صرف نظر از آنکه نقض اساسی است یا غیر اساسی، اصل آزادی قراردادی و منطق اولیة تجارت که تسهیل معاملات تجاری است ایجاب می‌کند به فروشنده فرصت رفع عدم انطباق داده شود.^{۳۵} برخی بیان داشته‌اند که حق فروشنده در رفع عدم مطابقت کالا تنها در زمانی است که نقض قرارداد اساسی

34. A. M. A. H. Alhajaj, *The Concept of Fundamental Breach and Avoidance under CISG*, Doctoral Dissertation, Brunel University London, 2015, p. 46.

۳۵. ماده ۳۷ ک. اشعار می‌دارد: «هرگاه بایع کالا را پیش از موعد مقرر تسلیم نموده باشد، تا فرا رسیدن موعد مزبور می‌تواند کالای دیگری را عوض کالای غیر منطبق تسلیم نماید یا هر نوع عدم انطباقی را در کالای تسلیم‌شده مرتفع سازد، مشروط بر این که اعمال این حق موجب زحمت غیر معقول مشتری یا تحمیل هزینه‌های غیر معقول بر او نباشد».

36. B. H. Malkawi, "CISG: The Relation Among Cure, Fundamental Breach, and Avoidance", *JL Pol'y & Globalization*, No. 93 (2020), p. 40.

نباشد و یا در صورت اساسی بودن تا موعدی است که خریدار هنوز قرارداد را فسخ نکرده است.^{۳۷} در مقابل برخی دیگر معتقدند که حق فروشنده در ماده ۴۸ ک. خاص و حق خریدار در ماده ۴۹ ک. کلی است. بنابراین حق فروشنده مقدم بر حق فسخ خریدار است.^{۳۸} برخی برای رفع تعارض چنین تفسیر نموده‌اند که اصولاً حق فروشنده مقدم است، مگر آنکه خریدار شانس مجددی به فروشنده برای رفع عدم انطباق دهد که در صورت اتمام آن مهلت، خریدار حق فسخ خواهد داشت؛ چراکه حق فسخ مشتری تنها در زمانی است که فروشنده در رفع عدم انطباق ناموفق باشد.^{۳۹} به نظر برخی دیگر، هرگاه عدم مطابقت اساسی بوده، ولی کالا قابل اصلاح و ترمیم باشد، مشتری حق فسخ ندارد؛ زیرا فروشنده قادر به ترمیم آن است، مگر اینکه مهلت سپری شود و فروشنده نسبت به رفع عیب اقدام نکند یا اگر اقدام نماید موفقیتی به دست نیاورد.^{۴۰} بنابراین، هرچند به موجب ظاهر ماده ۴۸، در فرض پیش گفته، حق فسخ مشتری بر حق رفع عدم مطابقت بایع مقدم است، لیکن فلسفه اعطای حق رفع عدم انطباق به خریدار در برابر اعطای اختیار انتخاب هریک از ضمانت اجراهای نقض قرارداد به فروشنده به آن جهت است که تا حد ممکن از انحلال قرارداد پیشگیری کند و اصل استحکام معاملات و جنبه استثنایی بودن حق فسخ قرارداد در کنوانسیون دلالت بر تفسیر یادشده دارد؛ لذا حق رفع عدم مطابقت مبیع از سوی فروشنده اساساً بر حق فسخ خریدار مقدم است.

۲.۲. دستورالعمل ۲۰۱۹/۷۷۱ اتحادیه اروپا

چنانچه کالای غیرمنطبق با قرارداد تحویل مصرف‌کننده گردد، دستورالعمل، روش‌های مختلفی را مطابق بند ۱ ماده ۱۳ برای جبران خسارت پیش‌بینی می‌نماید که عبارت است از: انطباق کالا با قرارداد (درخواست تعمیر یا تعویض)، فسخ قرارداد یا تقلیل ثمن و درخواست جبران خسارت که همانند کنوانسیون تنها حق درخواست جبران خسارت با آنها قابل جمع است. البته

37. C. Permat, *Seller's Right to Cure under the United Nations Convention for the International Sale of Goods (CISG)*. Master Thesis, Faculty of Law, Lund University, Supervisor Professor Proshanto Mukherjee, Field of Study International Contract Law Semester. (2012), p. 32.

38. J. Yovel, "The Seller's Right to Cure a Failure to Perform: An Analytic Comparison of the Respective Provisions of the CISG and the PECL", *NJCL*, No. 1 (2005), p. 9.

39. M. Bygum, "Extenson and Limitation of the Buyers Right to Avoid the Contract under the Cism with Focus on the Situation Whedther the Seller is in Current Breach of the Contract After the Yime for Performance has Passed", (2010), p. 51.

۴۰. سید حسین صفایی، پیشین، ص ۱۸۴.

چنین جبران خسارتی باید تا حد امکان مصرف‌کننده را در موقعیتی قرار دهد که در صورت انطباق کالا مشتری در آن وضعیت قرار می‌گرفت (ت. ش. ۶۱ د.). بنابراین به‌عنوان یک قاعده کلی در مرحله اول، مصرف‌کننده تنها می‌تواند از تاجر بخواهد که کالا را مطابقت (تعمیر یا تعویض) دهد و دسترسی به راه‌حل‌های ثانویه (کاهش قیمت یا فسخ قرارداد) فقط تحت شرایط خاصی امکان‌پذیر است که این امر نه‌تنها برای حمایت از حفظ قرارداد^{۴۱}، بلکه برای تشویق مصرف‌پایدار و ماندگاری بیشتر کالا به‌منظور تحقق اقتصاد پایدارتر مفید است^{۴۲}.

بنابراین، دستورالعمل برخلاف کنوانسیون، بدون آنکه بین جبران نقض تعهد قبل از موعد اجرا و بعد از آن قائل به تفکیک شود، مصرف‌کننده اصولاً تا امکان تعمیر یا تعویض کالا وجود دارد حق فسخ قرارداد را ندارد. از این رو، بند ۴ ماده ۱۳ در مقام بیان مواردی که مصرف‌کننده می‌تواند فسخ قرارداد (یا کاهش ثمن معامله) را درخواست کند،^{۴۳} مقرر می‌دارد: الف) فروشنده تعمیر یا تعویض را به اتمام نرسانده و یا مطابق قانون به پایان نرسانده باشد؛ ب) علی‌رغم تعمیر یا تعویض، انطباق حاصل نشده باشد؛ د) فروشنده اعلام کرده یا از شرایط مشخص است که فروشنده نمی‌تواند کالاها را در طی یک زمان معقول و یا بدون مزاحمت قابل توجهی برای مصرف‌کننده مطابقت دهد. بنابراین حق فسخ قرارداد از سوی مصرف‌کننده مشروط به فقدان حق تعمیر یا تعویض است. لیکن به‌عنوان استثنا تنها در فرضی که عدم انطباق از ماهیت جدی برخوردار باشد، مصرف‌کننده فوراً حق فسخ قرارداد را دارد (شق «ج» از بند ۴ ماده ۱۳ د.)^{۴۴}؛ مانند موردی که عدم مطابقت به‌شدت بر توانایی مصرف‌کننده در استفاده عادی از کالا تأثیر گذارد و از مصرف‌کننده نتوان انتظار اعتماد مبنی بر تعمیر و تعویض از سوی فروشنده را داشت (ت. ش. ۵۲ د.).

در نتیجه، دستورالعمل در فرض عدم انطباق کالا برای حفظ حقوق فروشنده به‌طور ضمنی و

41. A. De Franceschi, "Consumer's Remedies for Defective Goods with Digital Elements", *J. Intell. Prop. Info. Tech. & Elec. Com. L.*, No. 12 (2021), p. 144.

42. E. Van Gool, A., Michel, "The New Consumer Sales Directive 2019/771 and Sustainable Consumption: A Critical Analysis", *Journal of European Consumer and Market Law (EuCML)*, (2019), p. 19.

43. J. M. Carvalho, *op.cit.*, p. 20.

۴۴. شق «ج» بند ۴ ماده ۱۳ د. اشعار می‌دارد: «عدم انطباق از چنان ماهیت جدی برخوردار است که کاهش فوری قیمت کالا یا فسخ قرارداد ببع را توجیه می‌کند».

رعایت اصل استحکام معاملات، خریدار را اصولاً ملزم به رعایت روش‌های جبران خسارت می‌نماید. بنابراین، مصرف‌کننده از ابتدا حق فسخ قرارداد را نخواهد داشت و حق فسخ جنبه استثنایی دارد.

۳.۲. حقوق ایران

همان‌طور که گذشت، در حقوق ایران مفهوم واحدی از انطباق کالا ارائه نشده است. از سوی دیگر با توجه به مصادیق متعدد انطباق مبیع عین معین با قرارداد، ضمانت اجرای متنوعی نیز پیش‌بینی گردیده است؛ برای مثال در فرضی که مبیع موضوع معامله معیوب باشد، مشتری حق فسخ قرارداد یا اذعان را دارد (ماده ۴۲۲ ق.م.ا). همچنین در صورتی که مبیع فاقد وصف معهود باشد مصرف‌کننده صرفاً می‌تواند معامله را فسخ نماید (ماده ۴۱۰ ق.م.ا). مطابق قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نیز در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین‌شده، مشتری می‌تواند معامله را فسخ و یا اذعان آن را مطالبه کند (ماده ۲). البته به تصریح تبصره ماده ۲ قانون یادشده، امکان جمع حق درخواست جبران خسارت با حق فسخ در صورتی که خسارت ناشی از عدم انطباق کالا بوده و فروشنده نسبت به آن آگاه باشد، وجود دارد.

با وجود این، سؤال مطروحه آن است که آیا با وجود حق فسخ خریدار در فرض یادشده، فروشنده نیز حق رفع عدم انطباق کالا را همچون کنوانسیون دارا است و این امر مانع اعمال حق خیار می‌گردد؟ در این خصوص برخی معتقدند که در حقوق ایران اصل بر اجرای عین قرارداد است و فسخ قرارداد جنبه استثنایی دارد. بر این اساس، اگر رفع عیب و اصلاح مبیع ممکن باشد، به نظر می‌رسد مشتری باید ابتدا رفع عیب و اصلاح آن را از فروشنده بخواهد و در صورت عدم امکان قرارداد را فسخ نماید.^{۴۵} برخی با پذیرش این نظر بیان داشته‌اند که مبنای اکثر خیارها قاعده لاضرر است و هنگامی که مشتری اقدام به رفع عدم انطباق می‌کند، ضرر مصرف‌کننده مرتفع می‌گردد؛ پس خیار فسخ نیز از بین می‌رود. لذا فروشنده حق دارد با برطرف ساختن عدم انطباق کالا با قرارداد، مانع فسخ معامله از سوی مشتری شود.^{۴۶} برخی از نویسندگان با استناد به

۴۵. سید حسین صفایی، پیشین، ص ۱۷۸.

۴۶. فخرالدین اصغری آق‌مشهدی و علی محمدزاده، «بررسی تطبیقی حق درخواست تعمیر کالا از سوی خریدار در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ و حقوق ایران»، پژوهشنامه بازرگانی، ش ۹۹ (۱۳۸۷)، ص ۱۳۴-۱۳۵.

قاعده لاضرر، اصل ۴۰ قانون اساسی و وحدت ملاک از ماده ۴۷۸ قانون مدنی، قائل بر حق رفع عدم مطابقت مبیع با قرارداد برای فروشنده گردیده‌اند^{۴۷}. با وجود این، هرچند به نظر می‌رسد اصل لزوم قراردادها و استحکام معاملات و جنبه استثنایی بودن حق فسخ اقتضا دارد که در چنین فرضی اعمال حق فسخ ممکن نباشد؛ ولی اعطای چنین حقی به فروشنده فاقد مستند قانونی است و وحدت ملاک از ماده ۴۷۸ ق.م. نیز توجیه ندارد؛ چراکه طرف دیگر حق، تکلیف است و این درحالی است که مشتری تکلیفی به عدم اعمال حق فسخ با وجود امکان ترمیم یا اصلاح مبیع ندارد. علت از بین رفتن حق فسخ با رفع عدم انطباق نیز صرفاً به جهت از بین رفتن مبنای خود خیار است، نه علت بیرونی. بنابراین، صرف امکان اصلاح و یا حتی اعلام آمادگی فروشنده بر آن نمی‌تواند مانعی برای اعمال حق فسخ مصرف‌کننده در چنین فرضی گردد و در نتیجه آن، طرف متخلف را بر طرف متضرر ارجح دانست. البته بدیهی است که با توجه به اصل آزادی قراردادی، امکان توافق برخلاف آن وجود دارد.

۳. شرایط اعمال حق فسخ ناشی از عدم انطباق کالا

برای اعمال حق فسخ از سوی مشتری، در فرض عدم انطباق کالا با قرارداد در کنوانسیون، دستورالعمل و حقوق ایران شرایطی مقرر داشته است که در این مبحث مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۱.۳. نقض اساسی قرارداد

در کنوانسیون مهم‌ترین شرط برای اعمال حق فسخ مطابق شق «الف» از بند ۱ ماده ۴۹ آن است که عدم انطباق به موجب قرارداد یا کنوانسیون باید نقض اساسی قرارداد تلقی شود؛ در غیر این صورت، مشتری حق فسخ قرارداد را ندارد. از دیدگاه کنوانسیون نقض قرارداد زمانی اساسی تلقی می‌گردد که اولاً چنان خسارتی را به طرف قرارداد وارد کند که اساساً او را از آنچه که به موجب قرارداد انتظار استحقاق آن را دارد محروم کند. ثانیاً، وقوع این ضرر از سوی نقض‌کننده یا عرف قابل پیش‌بینی باشد (ماده ۲۵ ک.). همان‌طور که از ماده ۲۵ نیز استنباط می‌شود، در

۴۷. حسین تازی و همکاران، «تحلیل رابطه حقوقی حق رفع عدم مطابقت فروشنده با حق فسخ خریدار (مطالعه تطبیقی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصل یونیدرویت و حقوق ایران)»، حقوق تطبیقی، ش ۲ (۱۳۹۹)، ص ۱۷ و ۱۸.

صورت اثبات شرط اول از سوی مدعی نقض اساسی، شرط دوم مفروض است و ناقض باید عدم قابلیت پیش‌بینی را ثابت کند.^{۴۸} در مادهٔ پیش‌گفته صرفاً به تعریف نقض اساسی اکتفا شده و موارد آن مشخص نشده است.^{۴۹} البته برای تعادل میان منافع متعاملین و جلوگیری از سوءاستفاده از حق، مفهوم نقض اساسی قرارداد باید از دیدگاه یک انسان متعارف تفسیر گردد.^{۵۰} این ماده اشاره‌ای به وسعت خسارت ندارد، بلکه توجه به اهمیت منافی است که قرارداد برای خریدار ایجاد کرده است.^{۵۱} البته معیارهای قابل اعمال برای اساسی بودن عدم انطباق را می‌توان از خسارت مالی متحمل‌شده، درصد کالاهای تحت تأثیر و هدف کالا به دست آورد و اعمال تجمعی یا جداگانه این معیارها نیز به شرایط بستگی دارد.^{۵۲} برخی دیگر معتقدند با توجه به شروط صریح طرفین، هدف از خرید کالا و امکان یا عدم امکان رفع عیب، می‌توان به اساسی بودن ضرر خریدار پی برد.^{۵۳} بدین جهت است که بیان می‌شود عدم انطباق و آثار آن، نشان‌دهندهٔ برخی از چالش‌برانگیزترین کاربردها دکنترین نقض اساسی است.^{۵۴}

در صورت عدم انطباق کالا با قرارداد، در شرایطی دستورالعمل به طرف مقابل حق فسخ قرارداد را اعطا می‌کند که عدم انطباق عمده و اساسی باشد (بند ۵ مادهٔ ۱۳ د).^{۵۵} در واقع، هدف دستورالعمل حفظ قرارداد تا حد امکان است و ایجاد حق فسخ منوط بر این است که عدم ایفای تعهد از چنان اهمیتی برخوردار باشد که نقض اساسی قرارداد تلقی گردد که این امر برای تشویق

۴۸. منصور امینی و همکاران، «بررسی حق فسخ ناشی از پیش‌بینی نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، *مطالعات حقوقی*، ش ۱ (۱۳۹۰)، ص ۳۹.

۴۹. رسول قاسمی و محمدهادی مهدوی، «حق فسخ ناشی از پیش‌بینی نقض قرارداد در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، *حقوق خصوصی و کیفری*، ش ۳۸ (۱۳۹۷)، ص ۹۳.

50. D. Saidov, "Anticipatory Non-Performance and Underlying Values of the UNIDROIT Principles", *Unif. L. Rev. ns*, No. 11 (2006), p. 6.

۵۱. حدیث شفیعی و مرتضی فروخی، «بررسی شرایط فسخ قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، حقوق ایران و اصول حقوقی اروپایی»، *راه وکالت*، ش ۲۳ (۱۳۹۹)، ص ۸۳.

52. M. Müller-Chen & L. M., Pair, "Avoidance for Non-Conformity of Goods under Art. 49 (1)(a) CISG", *Wolters Kluwer Law & Business*, (2011), p. 664.

53. I. Schwenzer, "Avoidance of the Contract in Case of Non-Conforming Goods (Article 49 (1)) A) CISG", *JL & Com.*, No. 25, (2005), p. 437.

54. L. Graffi, "Case Law on the Concept of Fundamental Breach in the Vienna Sales Convention", *Int'l Bus. LJ*, No. 338 (2003), p. 338.

۵۵. بند ۵ مادهٔ ۱۳ د. اشعار می‌دارد: «اگر عدم انطباق تنها جزئی باشد، مصرف‌کننده حق فسخ قرارداد را ندارد. بار اثبات جزئی بودن عدم انطباق بر عهدهٔ فروشنده است.»

مصرف پایدار و تحقق اقتصاد پایدارتر مفید است.^{۵۶} لیکن دستورالعمل هیچ‌گونه معیاری برای تفکیک نقض اساسی و جزئی ارائه نکرده است. از این رو ممکن است در نگاه اول مراد از عدم انطباق جزئی برداشت کمی از عدم انطباق باشد، اما به نظر می‌رسد در اینجا آنچه برای اعمال حق فسخ ضرورت دارد، اهمیت ضرر از حیث کیفی است؛ با این تفاوت که اگر نقض بسیار اساسی باشد، استثنائاً مشتری بدون آنکه ملزم به استفاده از سایر روش‌های جبران خسارت باشد، فوراً حق فسخ را به استناد شق «ج» از بند ۴ ماده ۱۳ خواهد داشت. بنابراین، عدم انطباق باید به قدری جدی باشد که نتوان خریدار را به نگهداری کالا ملزم کرد و نتوان آن را با کاهش قیمت به اندازه کافی جبران نمود.^{۵۷}

در حقوق ایران مفهوم نقض اساسی مشابه آنچه در کنوانسیون و یا دستورالعمل شناسایی شده است، وجود ندارد؛ به این صورت که نقض قرارداد در صورتی موجب حق فسخ گردد که جنبه اساسی داشته باشد. بنابراین در موردی که حق فسخ مطابق قانون برای یک طرف قرارداد ایجاد می‌گردد، تفاوتی بین نقض اساسی و غیر اساسی نیست.^{۵۸} شایان ذکر است که چنانچه عدم انطباق در مبيع عین معین با قرارداد ناشی از فقدان وصف اساسی باشد و یا عیب مبيع چنان اساسی باشد که مبيع را از ماهیت بیندازد، نتیجه آن بطلان معامله خواهد بود نه آنکه حق فسخ ایجاد نماید.

۲.۳. ابلاغ عدم انطباق کالا با قرارداد به بایع

در کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، خریدار زمانی می‌تواند از حق فسخ ناشی از عدم مطابقت کالا بهره‌مند گردد که در ظرف مدت متعارفی پس از آنکه عدم انطباق کالا را کشف نمود یا می‌بایست کشف می‌کرد، یادداشتی حاکی از تعیین نوع عدم انطباق برای فروشنده ارسال کند تا وی را از عدم مطابقت کالا مطلع سازد؛ در غیر این صورت، حق او در استناد به عدم انطباق ساقط می‌گردد (بند ۱ ماده ۳۹). بنابراین در صورتی که مشتری عدم انطباق کالا را به فروشنده اطلاع ندهد و یا در اخطار خود ماهیت عدم انطباق (اعم از کمیت، کیفیت یا توصیف) را مشخص

56. E. Van Gool, A., Michel, *op.cit.*, p. 20.

57. I. Schwenzer, *op.cit.*, p. 437.

۵۸. سید حسین صفایی، پیشین، ص ۱۸۱.

نکند، حق فسخ خود را ازدست خواهد داد.^{۵۹} با وجود این، در کنوانسیون معیار خاصی برای تعیین «مدت متعارف» پیش‌بینی نشده است.^{۶۰} هدف از اعلام عدم انطباق کالا به فروشنده آن است که به وی این فرصت داده شود تا نسبت به دعوی مشتری اقدامات لازم را تدارک ببیند و مستندات موردنیاز را تهیه نماید؛ برای مثال، با رجوع به بایع سابق تأمین دلایل نماید و یا اقدام به رفع عدم انطباق کالا کند.^{۶۱} البته لازم نیست که اخطار به وسیله مخاطب دریافت گردد تا اثرگذار باشد.^{۶۲} در هر صورت، چنانچه مشتری حداکثر ظرف دو سال از تاریخی که کالا عملاً به او تسلیم (واقعی و نه حقوقی) شده است به تکلیف خود در دادن اخطار به بایع کوتاهی کند، حقوق ناشی از عدم مطابقت کالا را ازدست خواهد داد، مگر آنکه بایع سلامت کالا را برای دوره‌ای بیش از آن تضمین نموده باشد (بند ۲ ماده ۳۹ ک.ا). بنابراین کنوانسیون یک دوره قطعی را برای اعلام عدم انطباق تعیین می‌کند.^{۶۳} در واقع در فرضی که مشتری یادداشتی مبنی بر عدم انطباق کالا در موعد مقرر به بایع ارسال نکند، حتی در صورت داشتن عذر موجه (ماده ۴۴ ک.ا)، حق فسخ قرارداد وی ساقط می‌گردد؛ مگر اینکه عدم انطباق مربوط به اموری باشد که بایع نسبت به آن آگاه است یا نمی‌توانست ناآگاه باشد و آن را به مشتری اطلاع ندهد که در این صورت بایع نمی‌تواند از مهلت‌های مقرر در مواد ۳۸ و ۳۹ ک.ا که به سود وی پیش‌بینی شده است استفاده نماید (ماده ۴۰ ک.ا).

دستورالعمل اطلاع عدم مطابقت به فروشنده را صریحاً شرط اعمال حق فسخ بیان نکرده، لیکن تحت عنوان «الزام به اطلاع‌رسانی» در ماده ۱۲ اشعار داشته است: «کشورهای عضو می‌توانند مقرراتی را ارائه یا حفظ نمایند که به موجب آن خریدار برای بهره‌مندی از حقوق مصرف‌کننده مکلف است عدم انطباق را ظرف دوره زمانی حداقل ۲ ماه از تاریخی که مصرف‌کننده چنین عدم انطباقی را کشف کرده است، به فروشنده اطلاع دهد». لذا چنانچه مصرف‌کننده عدم انطباق را در محدوده زمانی مقرر اطلاع ندهد، حق فسخ را ازدست خواهد داد.

59. A. M. A. H. Alhajaj, *op.cit.*, p. 39.

60. C. B. Andersen, "Article 39 of the CISG and Its Noble Month for Notice-Giving; a Gracefully Ageing Doctrine", *JL & Com.*, No. 2 (2012), p. 185.

۶۱. سید حسین صفایی، پیشین، ص ۱۴۰-۱۴۱.

۶۲. حدیث شفیعی و مرتضی فروجی، پیشین، ص ۸۵.

63. U. A. Schroeter, "Time-Limit Running Wild: Article 39(2) CISG and Domestic Limitation Periods", *NJCL*, No. 2 (2017), p. 154.

بدیهی است که الزام به اخطار با هدف حمایت از فروشندگان در برابر ادعاهای دیرنگامی است که به دلیل گذشت زمان تأیید و یا انکار آنها دشوار است.^{۶۴} با وجود این، دستورالعمل به کشورهای عضو اجازه داده است با عدم ارائه چنین تعهدی، حمایت بیشتری را نسبت به مصرف‌کننده نشان دهند (ت. ش. ۴۶ د.).

در حقوق ایران به جهت الزامی نبودن امر بازرسی، تکلیفی برای خریدار در خصوص اعلام عدم مطابقت به فروشنده وجود ندارد^{۶۵} و هر زمان که مشتری از عیب و نقص کالا آگاه گردد، حق استفاده از ضمانت اجرای آن را دارد. با وجود این، هرگاه تعهد اعلام عیب در مدت متعارف در عرف بازرگانی وجود داشته باشد که ظاهراً چنین است، وجود چنین تعهدی در حقوق ایران قابل پذیرش است.^{۶۶} بنابراین در بیع عین معین در صورت عدم شرط خلاف، مصرف‌کننده بدون آنکه الزامی برای اطلاع‌رسانی در مورد عدم انطباق کالا داشته باشد، حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

۳.۳. امکان ردّ مبیع به فروشنده

در کنوانسیون لازمه فسخ قرارداد بر اثر عدم انطباق مبیع، امکان ردّ مبیع به فروشنده است. به موجب قاعده کلی، مشتری مکلف است مبیع موضوع معامله را عمدتاً به همان وضعیتی که آن را دریافت داشته است به فروشنده رد نماید تا قادر به فسخ معامله گردد (بند ۱ ماده ۸). برخی در این خصوص معتقدند که ملاک تغییر اساسی است نه تغییرات جزئی؛ پس هر نوع تغییری مانع اعمال حق فسخ نمی‌شود، مانند آنکه با کالای دیگر ممزوج گردد به نحوی که به شکل اولیه قابل اعاده نباشد.^{۶۷} در واقع در صورتی که کالا دچار تغییرات جزئی شده باشد، برای خریدار

64. I. Claeys & J. Vancoillie, "Remedies, Modification of Digital Content and Right to Terminate Long-Term Digital Content Contracts", *In Digital Content & Distance Sales: New Developments at EU Level*, No. 4 (2017), p. 179.

۶۵. ابراهیم شعاریان و فرشاد رحیمی، «بازرسی کالا و اخطار عدم انطباق آن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۱ (۱۳۹۳)، ص ۹۳.

۶۶. سید حسین صفایی، پیشین، ص ۱۳۹.

67. Peter Schlechtriem, *Commentary on the Un Convention on the International Sale of Goods*, (Oxford University Press, Second Edition-Cluredon Press, (1998), p. 298.



امکان فسخ قرارداد و درخواست تسلیم مجدد کالا وجود دارد.^{۶۸} بنابراین چنانچه کالا معیوب یا تلف - اعم از حکمی یا حقیقی - شده باشد به طوری که قابل برگشت به حالت اولیه نباشد، مشتری حق فسخ قرارداد را ندارد. لیکن کنوانسیون در مواردی علی‌رغم اینکه مشتری امکان ردّ مبیع به همان حالت اولیه را ندارد، حق اعمال فسخ را به وی اعطا می‌نماید که عبارت‌اند از: الف) عدم امکان ردّ مبیع به همان وضعیت اولیه ناشی از فعل یا ترک فعل مشتری نباشد؛ ب) اتلاف یا سبب تلف تمام یا قسمتی از کالا، انجام بازرسی موضوع ماده ۳۸ باشد؛ ج) تمام یا قسمتی از مبیع پیش از اینکه مشتری عدم انطباق آن را کشف نماید یا می‌بایست کشف می‌کرد، در جریان عادی معاملات مشتری فروخته شود یا در جریان عادی استفاده مشتری، مصرف شده یا تغییر شکل یافته باشد (بند ۲ ماده ۸۲ ک.). با وجود این، رویه قضایی^{۶۹} حکایت از آن دارد که حتی این استثنای نسبتاً گسترده نیز نیازمند بسط بیشتری است، مانند مواردی که خریدار کالا را بهبود بخشیده است. در این حالت، هیچ‌یک از استثنای صریحاً اعمال نمی‌شود. با این همه، انکار حق فسخ خریدار در این مورد با هدف ماده ۸۲ ناسازگار خواهد بود.^{۷۰}

در دستورالعمل ۲۰۱۹ اتحادیه اروپا حکم صریحی در خصوص تأثیر عدم امکان ردّ مبیع به همان وضعیت اولیه بر حق فسخ خریدار در فرض عدم انطباق کالا مقرر نشده است. با این همه، در شق «الف» و «ب» از بند ۳ ماده ۱۶ که بیان داشته است در صورت فسخ معامله در اثر عدم انطباق، مصرف‌کننده باید مبیع را به بایع اعاده نماید و همچنین با وحدت ملاک از بند ۴ ماده ۱۴ د. که آمده است: «مصرف‌کننده تعهدی در قبال استفاده عادی از کالای غیرمنطبق در دوره قبل از تعویض ندارد»، می‌توان این گونه استنباط نمود که برای فسخ امکان ردّ مبیع ضروری است. با وجود این، دستورالعمل بر آزادی کشورهای عضو در خصوص تنظیم مقررات در مورد اثر کاهش ارزش کالا و یا اثر تلف کالا بر حق فسخ مصرف‌کننده تأثیری نخواهد داشت (بند ۵۹ مقدمه د.).

در حقوق ایران، قاعده کلی در خصوص لزوم امکان اعاده مبیع به عنوان شرطی برای اعمال

۶۸. محمد مهدی اسدی، «فسخ قرارداد به عنوان طریق جبرانی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (مطالعه تطبیقی)»، تمدن حقوقی، ش ۱۳، (۱۴۰۱)، ص ۴۹.

69. CLOUT Case No. 235 [Bundesgerichtshof, Germany, 25 June 1997], Published in RECHT DER INTERNATIONALEN WIRTSCHAFT(RIW) 1037(1997) (German).

70. U. Magnus, "The Remedy of Avoidance of Contract Under CISG-General Remarks and Special Cases", *JL & Com.*, No. 25 (2005), p. 43.

حق فسخ تصریح نشده است. با این همه، حقوق دانان با وحدت ملاک از ماده ۲۸۶ ق.م. در مبحث اقاله بیان می‌دارند که ناممکن شدن ردّ مبیع مانع اعمال حق فسخ آن نمی‌شود^{۷۱}؛ چراکه فسخ نیز همانند اقاله قرارداد را منحل می‌سازد و اثر هر دوی آن‌ها ناظر به آینده است. بنابراین، اگر مال مثلی باشد، مثل آن و اگر قیمی باشد، قیمت آن باید به مالک قبل از عقد داده شود. با وجود این، مقنن در ماده ۴۲۹ ق.م. صریحاً عدم امکان ردّ مبیع را در خیار عیب از موانع حق فسخ دانسته که مشتری تنها مستحق دریافت ارزش است که عبارت‌اند از: (۱) مبیع نزد مشتری تلف شود یا مشتری آن را به غیر منتقل نماید؛ (۲) در صورتی که تغییری (اعم از اینکه به فعل مشتری باشد یا نه) در مبیع پیدا شود؛ (۳) چنانچه عیب دیگری بعد از قبض کالا در آن حادث گردد. بنابراین از اختصاص این حکم به خیار عیب و فقدان ملاک آن در سایر خیارات و عدم تصریح قانون‌گذار به چنین حکمی در موارد مشابه باید چنین نتیجه‌گیری نمود که در حقوق موضوعه ایران اصولاً نقص یا تلف-اعم از حکمی یا قانونی- مانع اعمال حق فسخ نیست و ماده ۴۲۹ ق.م. اصولاً جنبه استثنایی دارد^{۷۲}.

۴.۳. رعایت موعد اعمال حق فسخ

کنوانسیون به‌طور کلی هیچ محدودیت زمانی خاصی برای اعلام فسخ قرارداد مقرر نکرده است^{۷۳}. با این همه استثنائاً در فرضی که فروشنده کالایی را تسلیم کند که مطابق قرارداد نباشد، برای آنکه خریدار بتواند از حق فسخ برخوردار گردد باید آن را ظرف مهلت معقولی که مطابق شق «ب» از بند ۲ ماده ۴۹ ک. معین می‌شود، اعمال نماید. البته مطابق رویه محاکم بین‌المللی این مدت طولانی نخواهد بود؛ برای مثال، مطابق آرای محاکم آلمان در صورت فقدان

۷۱. ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۳۸؛ سید حسن امامی، پیشین، ص ۵۴۷؛ سید حسین صفایی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، (تهران: نشر میزان، چ ۲۸، ۱۳۹۶)، ص ۳۲۵؛ علی عباس حیاتی، پیشین، ص ۴۵۸.

۷۲. اکبر میرزائزاد جویباری، «ناممکن شدن ردّ مبیع و اعمال حق فسخ خریدار (بررسی تحلیلی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین و حقوق ایران)»، مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۳ (۱۳۸۴)، ص ۲۹۲.

73 U. Magnus, *op.cit.*, p. 428.

۷۴. بند ۲ ماده ۴۹ ک. اشعار می‌دارد: «... ۱- تا مدت متعارفی پس از اینکه مشتری نسبت به نقض آگاهی یافته یا می‌بایست آگاهی می‌یافت. ۲- تا مدت معقولی پس از مهلت اضافی که توسط مشتری برای رفع عدم انطباق به بایع مطابق بند ۱ ماده ۴۷ ک. داده شده است یا پس از اعلام بایع مبنی بر اینکه ظرف مدت مزبور تعهدات خود را ایفاء نخواهد کرد. ۳- تا مهلت متعارفی پس از مهلت اضافی که توسط بایع به موجب بند ۲ ماده ۴۸ تعیین شده است یا پس از اعلام مشتری دایر بر اینکه ایفای تعهد را قبول نخواهد کرد».

شرایط خاص، مهلت ۷۵^{۷۶} و ۷۶^{۷۷} ماه غیر معقول تلقی شد، درحالی که مدت ۵ هفته^{۷۷} مهلتی متعارف است که در طی آن خریدار حق فسخ قرارداد را دارد. مهلت اعلام فسخ نوعی مرور زمان است، بنابراین در مورد اعلام فسخ به هر دلیلی که مهلت آن رعایت نشود، مشتری حتی در صورت داشتن عذر موجه از حق فسخ محروم خواهد شد؛ هرچند می‌تواند از سایر ضمانت اجراها هم استفاده کند.^{۷۸}

در دستورالعمل ۲۰۱۹ اتحادیه اروپا صریحاً مهلتی برای اعمال حق فسخ پیش‌بینی نشده، بلکه به بیان دوره مسئولیت فروشنده پرداخته شده که به تبع آن حق فسخ نیز در چارچوب آن قابل اعمال است. در واقع، دستورالعمل به منظور اطمینان از وجود اعتماد قانونی به فروشنده‌گان و اطمینان کلی مصرف‌کننده از خریدهای فرامرزی^{۷۹}، فروشنده را در صورت تحقق دو شرط مسئول عدم انطباق کالا می‌نماید که عبارت‌اند از: ۱- عدم انطباق باید در زمان تحویل کالا وجود داشته باشد. ۲- ظرف دو سال از زمان تحویل کالا عدم مطابقت آشکار گردد (بند ۱ ماده ۱۰)؛ در غیر این صورت، فروشنده هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر مصرف‌کننده ندارد. در دستورالعمل، معنای عبارت «آشکار شدن» عدم انطباق مشخص نشده است، به‌ویژه اینکه آیا این عبارت به ظهور عینی عدم انطباق اشاره دارد یا زمانی که مصرف‌کننده عدم انطباق را کشف می‌نماید. هرچند به نظر می‌رسد آشکار شدن باید به تجلی عینی عدم انطباق نسبت داده شود.^{۸۰}

کشورهای عضو اتحادیه می‌توانند در قانون ملی خود به‌منظور اطمینان از انعطاف‌پذیری برای افزایش سطح حمایت از مصرف‌کننده محدودیت‌های طولانی‌تری را برای مسئولیت فروشنده نسبت به موارد مقرر در این دستورالعمل تعیین کنند (بند ۳ ماده ۱۰ د.). البته این امر استثنایی بر ماده ۴ د. است که با امره دانستن مقررات این دستورالعمل کشورهای عضو را از وضع مقررات سخت‌گیرانه‌تر یا راحت‌تر در جهت حمایت از مصرف‌کننده منع می‌نماید.

75. CLOUT Case No 83 [Oberlandesgericht München, Germany, 2 Mar. 1994]; CLOUT Case No. 124 [Bundesgerichtshof, Germany, 15 Feb. 1995].

76. CLOUT Case No. 282 [Oberlandesgericht Koblenz, Germany, 31 Jan. 1997].

77. CLOUT Case No. 165 [Oberlandesgericht Oldenburg, Germany, 1 Feb. 1995].

۷۸. سید حسین صفایی، حقوق بیع بین‌المللی، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۶، ۱۳۹۵)، ص ۱۸۹-۱۹۰.

79. J. M. Carvalho, *op.cit.*, p. 15.

80. A. De Franceschi, *op.cit.*, p. 149.

در قانون داخلی کشورهای عضو ممکن است برای روش‌های جبران خسارت در فرض عدم انطباق، محدودیت زمانی پیش‌بینی شده باشد. حال آیا این امر می‌تواند مانع استناد به راه‌های جبران خسارت در ماده ۱۳ دستورالعمل گردد؟ در این خصوص بندهای ۸۴^{۱۴} و ۸۵^{۱۵} ماده ۱۰ د. بیان می‌دارند که کشورهای عضو می‌توانند در قوانین داخلی خود یک دوره محدودیت برای روش‌های جبران خسارت پیش‌بینی شده در ماده ۱۳ با رعایت شرایط بند ۱ ماده ۱۰ حفظ یا ارائه نمایند. در واقع، کشورهای عضو به دلایل انسجام با سیستم‌های حقوقی ملی موجود مجازند فروشندگان را مسئول عدم انطباق که در ظرف یک دوره زمانی خاص آشکار می‌شود بدانند که احتمالاً همراه با یک دوره محدودیت است و یا اینکه راه‌های جبران خسارت مصرف‌کنندگان را منوط به یک دوره محدودیت نمایند^{۸۳}. لذا دستورالعمل به کشورهای عضو آزادی گسترده‌ای برای وضع مقررات در موضوع مربوطه می‌دهد. این نکته نیز شایان ذکر است که عدم رعایت مهلت در کنوانسیون، تنها حق فسخ را ساقط می‌نماید، لیکن در دستورالعمل می‌تواند مانع توسل به سایر روش‌های جبران خسارت نیز گردد.

در حقوق ایران برای برخورداری مصرف‌کننده از حق فسخ ناشی از عدم انطباق - برخلاف کنوانسیون و دستورالعمل - موعده زمانی برای اعمال حق معین نشده است تا پس از آن حق مشمول مرور زمان گردد. بلکه در صورت عدم انطباق کالا در فرض فقدان وصف معهود و یا عیب در مبیع بر حسب مورد، تنها در مواد ۴۱۵ و ۴۳۵ ق.م. مقرر شده است که مصرف‌کننده باید پس از آگاهی «فوری» حسب اوضاع و احوال مختلف حق فسخ خود را اعمال نماید؛ در غیر این صورت، وی از حق فسخ محروم خواهد شد، بدون آنکه حداکثر زمانی برای آن تعیین گردد. زیرا هدف از برقراری بیشتر اختیارات، دفع ضرر یا جبران آن است؛ ولی اگر اجرای حق به‌درازا بکشد و

۸۱. بند ۴ ماده ۱۰ د. بیان می‌دارد: «اگر طبق قانون داخلی، راه‌های جبران خسارت پیش‌بینی شده در ماده ۱۳ نیز مشروط به یک دوره محدودیت باشد، کشورهای عضو باید اطمینان حاصل نمایند که این دوره محدودیت به مصرف‌کننده اجازه می‌دهد تا طرق جبران خسارت مندرج در ماده ۱۳ را در خصوص هرگونه عدم رعایت انطباق که فروشنده طبق بندهای ۱ و ۲ این ماده مسئول است و ظرف یک دوره زمانی که در این بندها به آن اشاره شده است آشکار می‌شود، اعمال نماید».

۸۲. در بند ۵ ماده ۱۰ آمده است: «کشورهای عضو می‌توانند علی‌رغم بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۰، فقط یک دوره محدودیت برای راه‌های جبران خسارت پیش‌بینی شده در ماده ۱۳ حفظ یا ارائه کنند. کشورهای عضو باید اطمینان حاصل نمایند که چنین دوره محدودیتی به مصرف‌کننده اجازه می‌دهد تا طرق جبران خسارت مندرج در ماده ۱۳ را در خصوص هرگونه عدم انطباق که فروشنده طبق بندهای ۱ و ۲ این ماده مسئول است و در طی دوره زمانی اشاره شده در آن بندها آشکار می‌شود، اعمال نماید».

83. J. M. Carvalho, *op.cit*, p. 16.

مدت‌ها قرارداد را در تزلزل نگاه دارد، خود موجب ضرر می‌شود.^{۸۴} لذا اجرای عدالت اقتضای اجرای فوری حق را دارد.

۵.۳. اعلام فسخ قرارداد به مشتری

در کنوانسیون، لازمه فسخ قرارداد صدور حکم دادگاه نیست و با اعلام اراده صاحب حق واقع می‌گردد.^{۸۵} با این همه، ماده ۲۶ ک. مقرر می‌دارد: «فسخ قرارداد صرفاً در صورتی نافذ است که طی یادداشتی به طرف دیگر اعلام شود». در ماده یادشده، وابسته بودن فسخ قرارداد به یک اعلامیه به آن معناست که ذی‌حق می‌تواند آگاهانه تصمیم‌گیری نماید که حتی با وجود دلیلی برای فسخ، ادامه اجرای قرارداد را مطالبه کند.^{۸۶} البته لزوم اخطار موجب ثبات روابط قراردادی میان فروشنده و خریدار می‌شود؛ چراکه اگر متعهدله به متعهد اعلام نکند که قرارداد فسخ شده است، روابط قراردادی با وجود نقض اساسی همچنان باقی خواهد ماند.^{۸۷} بنابراین، یکی از شرایط اعمال حق فسخ در فرض عدم انطباق آن است که فسخ قرارداد به فروشنده اعلام شود. این شرط تجلی اصل حسن‌نیت در روابط تجاری است تا طرف معامله از وضعیت معامله آگاه گردد.^{۸۸} پس فسخ قرارداد باید به وسیله اخطاری به فروشنده اعلام شود تا وی با اطلاع از فسخ قرارداد در جهت کاهش هزینه و خطرهایی که کالا را تهدید می‌کند، اقدام نماید.^{۸۹} با این همه، با توجه به ماده یادشده می‌توان بیان داشت که اولاً مطابق اصل آزادی فرم در ماده ۱۱ ک. هیچ فرم خاصی برای اعلامیه فسخ قرارداد ضرورت ندارد. ثانیاً ماده پیش‌گفته در این خصوص که یک اخطار مناسب باید صریحاً ابلاغ گردد یا صرف رفتار ضمنی برای فسخ کفایت می‌کند، سکوت نموده است؛ هرچند در عمل اخطار کتبی از حیث اثباتی بر اخطار شفاهی ارجحیت دارد.^{۹۰} ظاهر ماده

۸۴. ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۷۰.

۸۵. سید حسین صفایی، پیشین، ص ۱۸۱.

86. N. Agapiou, *Buyer's Remedies under the CISG and English Sales Law: a Comparative Analysis*, Doctoral Dissertation, University of Leicester, 2015, p. 134.

۸۷. علی خیری جبر و همکاران، «چگونگی اعمال فسخ در فرض نقض تعهدات قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰، حقوق ایران و حقوق عراق، مطالعات بین‌المللی، ش ۳ (۱۳۹۷)، ص ۹۴.

88. John. Honnold, *Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention*, *Kluwer Law International*, The Hague, (1999), p. 215.

۸۹. سید حسین صفایی، پیشین، ص ۱۸۸.

90. N. Agapiou, *op.cit.*, p. 134.

حاکمی از آن است که اعلام فسخ صرفاً باید از طریق «یادداشت» صورت پذیرد و اعلام اراده به شیوه یادشده موضوعیت دارد. البته یادداشتی که با وسایل متناسب با اوضاع و احوال صادر یا انجام شده باشد، در صورت تأخیر، اشتباه در ارسال، عدم ارسال و یا عدم وصول، مانع استناد به آن نمی‌گردد (ماده ۲۷ ک.).

در دستورالعمل نیز یکی از شرایط اعمال حق فسخ آن است که مصرف‌کننده فسخ قرارداد ببع را از طریق اعلامیه به فروشنده اعلام نماید (بند ۱ ماده ۱۶ د.). بنابراین اجرای حق فسخ می‌تواند با اعلامیه غیررسمی یک‌جانبه اعمال شود که از طریق آن فروشنده تصمیم خود مبنی بر فسخ معامله را اعلام می‌دارد^{۹۱}. در نتیجه فسخ با اعلام اراده مصرف‌کننده از طریق اعلامیه در مورد تصمیم بر فسخ قرارداد صورت می‌گیرد و تحقق آن مستلزم صدور رأی دادگاه نیست. با وجود این، به نظر می‌رسد با توجه به ظاهر ماده نامبرده، اعلام اراده باید به وسیله «اعلامیه» اعمال شود.

در حقوق ایران، مشابه کنوانسیون و دستورالعمل، فسخ قرارداد به جهت عدم انطباق کالا مستلزم صدور حکم دادگاه نیست و با اراده ذی‌الحق صورت می‌پذیرد. در مورد اعلام اراده، ماده ۴۴۹ ق.م. نیز مقرر می‌دارد: «فسخ به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن نماید حاصل می‌شود». بنابراین برای اعمال خیار، رعایت تشریفات خاصی ضرورت ندارد^{۹۲} و با صرف اعلام، قرارداد فسخ می‌گردد^{۹۳}.

نتیجه

در خصوص موضوع انطباق کالا با قرارداد، در حقوق ایران برخلاف کنوانسیون و دستورالعمل اتحادیه اروپا، مقررات معینی به آن اختصاص نیافته و از سوی دیگر با ارائه مفهوم گسترده از تعهد تسلیم و تفکیک‌های ظریف میان مبیع عین معین و کلی، پذیرش تئوری انطباق را در

91. A. De Franceschi, *op.cit.*, p. 148.

۹۲. علی‌عباس حیاتی، پیشین، ص ۴۵۷.

۹۳. در حقوق ایران در برخی موارد، اعمال خیار ایقاع تشریفاتی است؛ همانند اعمال خیار شرط در ببع شرط، چراکه اعمال آن منوط به استرداد ثمن است و یا اعمال خیار تخلف از شرط پیش‌بینی شده در ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان که منوط رعایت تشریفات ماده ۴۷ پیمان است.

حقوق ایران با مشکل جدی روبه‌رو ساخته است. لیکن به‌نظر می‌رسد در حال حاضر با توجه به قوانین موضوعه، پذیرش موضوع تنها در خصوص مبیع عین معین امکان‌پذیر است و چنانچه فروشنده در این مورد کالای غیرمنطبق را تسلیم نماید مرتکب نقض تعهد انطباق شده است.

در فرض عدم انطباق مادی کالا با قرارداد به‌منظور حفظ استحکام معاملات و تشویق مصرف‌پایدار، در کنوانسیون ۱۹۸۰ وین اساساً در مقابل اعطای روش‌های جبران خسارت متنوع به مشتری و اختیار در اعمال هریک از آنها، حقوقی همچون حق رفع عدم انطباق را برای فروشنده پیش‌بینی می‌کند که موجب تحمیل اجرای عین قرارداد بر مشتری با وجود حق فسخ برای وی می‌شود. درحالی که در دستورالعمل اتحادیه اروپا هدف یادشده اصولاً با الزام مصرف‌کننده به رعایت روش‌های جبران خسارت تأمین می‌گردد بدون آنکه حقی را برای فروشنده منظور نماید؛ به این معناست که تا امکان الزام به تعمیر یا تعویض کالا میسر باشد، حق فسخ معامله از ابتدا برای مصرف‌کننده پدیدار نمی‌شود. وانگهی در حقوق ایران ضمانت اجرای نقض تعهد انطباق اصولاً محدود به حق فسخ گردیده است و امکان الزام به ترمیم مبیع برای خریدار وجود ندارد و اعطای حق ترمیم به بائع نیز در اصل به جهت ایجاد تکلیف بر مصرف‌کننده و فقدان نص در این خصوص امکان‌پذیر نیست؛ با این همه، استثنایی بودن حق فسخ میان هر سه مشترک است.

در خصوص شرایط اعمال حق فسخ ناشی از عدم انطباق مادی کالا، دستورالعمل در مقایسه با حقوق ایران شباهت بیشتری به کنوانسیون دارد؛ به این شرح که اولاً به‌موجب دستورالعمل و کنوانسیون، زمانی به خریدار حق فسخ اعطا می‌شود که عدم انطباق عمده و اساسی باشد. لیکن در حقوق ایران صرف عدم انطباق برای وی حق فسخ ایجاد می‌کند و چنانچه عدم انطباق اساسی باشد به نحوی که مبیع فاقد وصف اساسی و یا عیب به نحوی باشد که مبیع را از ماهیت بیندازد، برخلاف آن دو مقررره موجب بطلان معامله می‌شود. دوم اینکه ابلاغ عدم انطباق کالا با قرارداد به مشتری در کنوانسیون یکی از شرایط اعمال حق فسخ است، ولی این امر در دستورالعمل صریحاً شرط نشده است. وانگهی در حقوق ایران در صورت عدم شرط خلاف، مصرف‌کننده بدون آنکه الزامی برای اطلاع‌رسانی داشته باشد، حق فسخ قرارداد را خواهد داشت. سوم، مطابق کنوانسیون برای آنکه خریدار بتواند از حق فسخ قرارداد برخوردار گردد باید آن را ظرف مهلت معقولی که در کنوانسیون معین شده است، اعمال نماید؛ در غیر این صورت، حتی در

فرض داشتن عذر موجه، مشتری از حق فسخ محروم خواهد شد. به موجب دستورالعمل، فروشنده اصولاً تنها در ظرف دو سال از زمان تحویل کالا مسئول عدم انطباق کالا در قبال مصرف‌کننده است. در حقوق ایران نیز در فرض عدم انطباق (فقدان وصف معهود و عیب) مشتری موظف است فوری حق فسخ خود را اعمال نماید. چهارم، در کنوانسیون و دستورالعمل، هرچند لازمه فسخ قرارداد صدور حکم دادگاه نیست، لیکن فسخ قرارداد باید به خریدار اعلام شود؛ درحالی که در حقوق ایران هیچ‌یک ضرورت ندارد. با این همه، آنچه میان هر سه مقرر به‌عنوان شرایط فسخ معامله مشترک به‌نظر می‌رسد، امکان ردّ مبیع به خریدار به وضعیت اولیه (با پذیرش برخی استثناءها) است.

بررسی تطبیقی موارد پیش‌گفته موجب شفاف‌سازی تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام حقوقی ایران با کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۰۱۹/۷۷۱ در خصوص اعمال حق فسخ در فرض عدم انطباق مادی کالا شده است. لیکن با توجه به توسعه اقتصاد جهانی پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار به‌منظور ایجاد تعادل میان حقوق مصرف‌کننده و فروشنده و نیز تشویق مصرف پایدار و ماندگاری بیشتر کالا برای تحقق اقتصاد پایدارتر، مقررات معینی را در خصوص تئوری «انطباق» کالا در راستای یکسان‌سازی قواعد آن با مقررات بین‌المللی وضع نماید که این امر بستر را برای توسعه معاملات فرامرزی تسهیل می‌سازد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- کتابها

۱. امامی، سید حسن (۱۳۸۳). *حقوق مدنی*. تهران: گنج دانش.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰). *ترمیمولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
۳. حائری، سید علی (۱۳۹۹). *شرح قانون مدنی*. تهران: گنج دانش.
۴. حیاتی، علی عباس (۱۳۹۲). *قواعد عمومی قراردادها*. تهران: میزان.
۵. شعاریان، ابراهیم و رحیمی، فرشاد (۱۴۰۰). *حقوق بیع بین المللی: شرح کنوانسیون بیع بین المللی کالا در پرتو دکترین و رویه قضایی مطالعه تطبیقی با اسناد بین المللی و حقوق ایران*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۶. شهیدی، مهدی (۱۳۹۷). *شروط ضمن عقد*. تهران: مجد.
۷. شهیدی، مهدی (۱۳۹۱). *تعهدات (حقوق مدنی ۳)*. تهران: مجد.
۸. صفایی، سید حسین (۱۳۹۶). *قواعد عمومی قراردادها*. تهران: میزان.
۹. صفایی، سید حسین؛ عادل، مرتضی؛ کاظمی، محمود (۱۳۹۵). *حقوق بیع بین المللی*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹). *حقوق مدنی؛ معاملات معوض - عقود تملیکی*. تهران: گنج دانش.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). *قواعد عمومی قراردادها*. تهران: سهامی انتشار.

- مقالات

۱۲. اسدی، محمدمهدی (۱۴۰۱). فسخ قرارداد به عنوان طریق جبرانی در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (مطالعه تطبیقی). *تمدن حقوقی*، ۵ (۱۳)، ۳۱-۵۲.
- Doi: 10.22034/1c.2023.160272
۱۳. اصغری آقمشهدی، فخرالدین و محمدزاده، علی (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی حق درخواست تعمیر کالا از سوی خریدار در کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ و حقوق ایران. *پژوهشنامه بازرگانی*، ۱۳ (۴۹)، ۱۲۱-۱۴۳.

۱۴. امینی، منصور؛ مافی، همایون و اعظمی چهار برخ، حسین (۱۳۹۰). بررسی حق فسخ ناشی از پیش‌بینی نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران. *مطالعات حقوقی/علوم اجتماعی و انسانی شیراز*، ۳ (۱)، ۳۵-۵۲.
۱۵. تازی، حسین؛ قاسم‌زاده، میرجعفر و محمدی، سام (۱۳۹۹). تحلیل رابطه حقوقی حق رفع عدم مطابقت فروشنده با حق فسخ خریدار (مطالعه تطبیقی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصل یونیدرویت و حقوق ایران). *حقوق تطبیقی*، ۲۴ (۲)، ۱-۲۵.
۱۶. خیری جبر، علی؛ قبولی درافشان، سید محمدمهدی و انصاری، اعظم (۱۳۹۷). چگونگی اعمال فسخ در فرض نقض تعهدات قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰، حقوق ایران و حقوق عراق. *مطالعات بین‌المللی*، ۱۵ (۳)، ۸۹-۱۱۴. Doi: 10.22034/isj.2018.89600
۱۷. شعاریان، ابراهیم و رحیمی، فرشاد (۱۳۹۳). بازرسی کالا و اخطار عدم انطباق آن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران. *حقوق تطبیقی*، ۱۸ (۱)، ۷۵-۹۸.
۱۸. شعاریان، ابراهیم و صاحب‌جمع سارا (۱۴۰۰). سلسله‌مراتب و تغییر ضمانت اجراهای نقض قرارداد؛ رویکرد اسناد بین‌المللی و حقوق ایران. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۲ (۲۴)، ۳۳-۷۹. Doi: 10.22034/law.2021.44754.2854
۱۹. شعاریان، ابراهیم و رحیمی، فرشاد (۱۳۹۳). انطباق مادی کالا با قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ و حقوق ایران. *حقوقی بین‌المللی*، ۳۱ (۵۱)، ۴۱-۶۶. Doi: 10.22066/cilamag.2015.15769
۲۰. شفیع، حدیث و فروحی، مرتضی (۱۳۹۹). بررسی شرایط فسخ قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، حقوق ایران و اصول حقوقی اروپایی. *راه وکالت*، ۲۳ (۲۳)، ۷۳-۹۲.
۲۱. قاسمی، رسول و مهدوی، محمدهادی (۱۳۹۷). حق فسخ ناشی از پیش‌بینی نقض قرارداد در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران. *تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ۱۴ (۳۸)، ۹۹-۱۱۶.
۲۲. میرزائزاد جویباری، اکبر (۱۳۸۴). ناممکن شدن ردّ مبیع و اعمال حق فسخ خریدار (بررسی تحلیلی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین و حقوق ایران). *حقوقی*، ۳۳ (۳۳)، ۲۷۱-۳۰۲. Doi: 10.22066/cilamag.2005.17979

ب) منابع انگلیسی

23. Agapiou, N. (2015). *Buyer's Remedies under the CISG and English Sales Law: A Comparative Analysis*. Doctoral Dissertation, University of Leicester.
24. Alhajaj, A. M. A. H. (2015). *The Concept of Fundamental Breach and Avoidance under CISG*. Doctoral Dissertation, Brunel University London.
25. Andersen, C. B. (2012). Article 39 of the CISG and Its Noble Month for Notice-Giving; a(Gracefully) Ageing Doctrine. *JL & Com.*, 30 (2), 185.
26. Atamer, Y.; Bergsten, E.; Bonell, M. J.; Flechtner, H.; Gama, L.; Garro, A.; Bridge, M. (2019). CISG Advisory Council Opinion No. 19: Standards and Conformity of the Goods under Article 35 CISG. *Nordic Journal of Commercial Law*, (2), 34-63.
Doi: <https://doi.org/10.5278/ojs.njcl.v0i2.3396>.
27. Bygum, M. (2010). Extenson and Limitation of the Buyers Right to Avoid the Contract under the Cisd with Focus on the Situation Whedther the Seller is in Current Breach of the Contract After the Yime for Performance Has Passed. Available Online at: <https://law.au.-dk/fileadmin/Jura/dokumenter/forskning/rettid/2010/afh21-2010.pdf>.
28. Carvalho, J. M. (2019). Sale of Goods and Supply of Digital Content and Digital Services–Overview of Directives 2019/770 and 2019/771. *Journal of European Consumer and Market Law*, 8 (5), 194-201.
29. Claeys, I., Vancoillie, J. (2017). Remedies, Modification of Digital Content and Right to Terminate Long-Term Digital Content Contracts. *In Digital Content & Distance Sales: New Developments at EU Level*, 15 (4), 167-232.
30. De Franceschi, A. (2021). Consumer's Remedies for Defective Goods with Digital Elements. *J. Intell. Prop. Info. Tech. & Elec. Com. L.*, (12), 143.
31. De Luca, V. (2015). The Conformity of the Goods to the Contract in International Sales. *Pace Int'l L. Rev.*, 27 (1), 161-178.

32. Flechtner, H. M. (2007). Conformity of Goods, Third Party Claims, and Buyer's Notice of Breach under the United Nations Sales Convention ("CISG"), With Comments on "the" Mussels Case, "the" Stolen Automobile Case, "and the" Ugandan Used Shoes Case. University of Pittsburgh School of Law. available at: <https://law.bepress.com/pittlwps/art64>.
33. Graffi, L. (2003). Case Law on the Concept of Fundamental Breach in the Vienna Sales Convention. *Int'l Bus, LJ*, 338.
34. Honnold, J. (1999). *Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations convention*. The Hague: Wolters Kluwer Law & Business.
35. Howells, G. G. (2016). *Reflections on Remedies for Lack of conformity in Light of the Proposals of the EU Commission on Supply of Digital Content and Online and Other Distance Sales of Goods*: In European Contract Law and the Digital Single Market: The Implications of the Digital Revolution (Edited by: De Franceschi, A.). Cambridge: Cambridge University Press, Intersentia.
36. Magnus, U. (2005). The Remedy of Avoidance of Contract Under CISG-General Remarks and Special Cases. *JL & Com.*, (25), 423.
37. Maley, K. (2009). *The Limits to the Conformity of Goods in the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG)*: in Int'l Trade & Bus. L. Rev: Volume XII (Edited By: Moens, G. , Jones, R.), London: Routledge-Cavendish.
38. Malkawi, B. H. (2020). CISG: The Relation among Cure, Fundamental Breach, and Avoidance. *JL Pol'y & Globalization*, (93), 24.
39. Müller-Chen, M., & Pair, L. M. (2011). Avoidance for Non-Conformity of Goods under Art. 49(1)(a) CISG. *Wolters Kluwer Law & Business*. Available at: https://cisg-online.org/files/commentFiles/M%C3%BCller-Chen_Pair_FS_Bergsten_2011_655.pdf
40. Permat, C. (2012). *Seller's right to cure under the United Nations Convention for the International Sale of Goods (CISG)*. Master thesis, Faculty of Law, Lund University, Supervisor Professor Proshanto Mukherjee, Field of study International Contract Law Semester.

41. Saidov, D. (2006). Anticipatory Non-Performance and Underlying Values of the Unidroit Principles. *Unif. L. Rev. ns*, (11), 795.
42. Schlechtriem, p. (1998). *Commentary on the Un Convention on the International Sale of Goods*. Oxford University Press.
43. Schroeter, U. A. (2017). Time-Limit Running Wild: Article 39(2) CISG and Domestic Limitation Periods. *NJCL*, (2), 152.
44. Schulze, R. (2016). *Supply of Digital Content—a New Challenge for European Contract Law*: in European Contract Law and the Digital Single Market. The Implications of the Digital Revolution: (Edited by: De Franceschi, A.). Cambridge University Press: Intersentia.
45. Schwenger, I. (2005). Avoidance of the Contract in Case of Non-Conforming Goods (Article 49 (1) A) CISG. *JL & Com.*, (25), 437.
46. Straetmans, G., & Meys, S. (2017). *Digital Content and Distance Sales New Developments at EU Level: The New Proposals for Directives Concerning Digital Content and Online/Distance Sales: What Impact on Consumer Protection?*. In Digital Content & Distance Sales/Claeys, I. [edit.]; e.a., Cambridge: Intersentia.
47. Synodinou, T. E., Jougleux, P., Markou, C., & Prastitou, T. (2019). *EU Internet Law in the Digital Era: Regulation and Enforcement*. Switzerland: Springer Nature.
48. Twigg-Flesner, C. (2020). Conformity of Goods and Digital Content/Digital Services. *El Derecho Privado en el Nuevo Paradigma Digital, Barcelona-Madrid, Marcial Pons*. Available at ssrn: <https://ssrn.com/abstract=3526228>.
49. Van Gool, E., & Michel, A. (2019). The New Consumer Sales Directive 2019/771 and Sustainable Consumption: A Critical Analysis. *Journal of European Consumer and Market Law (EuCML)*, 136-147. Available at ssrn: <https://ssrn.com/abstract=3732976>.
50. Yovel, J. (2005). The Seller's Right to Cure a Failure to Perform: An Analytic Comparison of the Respective Provisions of the CISG and the PECL. *NJCL*, 1.

- Legal Case

51. Clout Case No. 2 Ob 48/02a, Austria, 27 February 2003.
52. CLOUT Case No. 235 [Bundesgerichtshof, Germany, 25 June 1997], published in RECHT DER INTERNATIONALEN WIRTSCHAFT (RIW) 1037(1997) (German).
53. CLOUT Case No 83 [Oberlandesgericht München, Germany, 2 Mar. 1994]; CLOUT Case No. 124 [Bundesgerichtshof, Germany, 15 Feb. 1995].
54. CLOUT Case No. 282 [Oberlandesgericht Koblenz, Germany, 31 Jan. 1997].
55. CLOUT Case No. 165 [Oberlandesgericht Oldenburg, Germany, 1 Feb. 1995].